

انتشارات انصار امام مہدی علیہ السلام عدد (۷۸)

# سلسلہ اخلاقی

(ثروت و فقر)

قسمت دوم

نویسنده: شیخ حبیب سعیدی



## چاپ اول

۱۴۳۵ هـ.ق - ۲۰۱۴ م

بهمن ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً

## مقدمه:

این سخنان اندک را نگاشتم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) را در آن نقل کردم تا مؤمنان را نسبت به جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در فضیلت فقر (قناعت پیشگی) مطلع سازم و این که عروج دنیا پرستان و ثروتمندان در دنیا سبک شمرده شوند و فقیران نیز مأنوس شوند و به سبب نعمت فقری که خداوند آنان را به آن احاطه کرده خوشحال شوند، و بر ثروتمندانی که آنها را به خاطر فقری که دارند، شتمت می کنند، از طریق کلام اهل بیت (علیهم السلام) احتجاج کنند و از خداوند خرسندی و خشنودی و ولایت اولیائش را خواهانم.



## فقر:

فقر عبارت است از: نیاز، خواسته، حاجت و دست خالی بودن، و آن نعمتی از سوی پروردگار است که بر بندگان ارزانی می‌دارد و قدر آن را کسی جز اهلش نمی‌داند، اما هر فقری مدح شده نیست؛ بلکه برخی فقر توسط اهل بیت (علیهم‌السلام) مذموم شمرده شده است.

## فقر مدح شده:

ابن ابی یعفور از ابا عبد الله (علیه‌السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: (إن فقراء المسلمين يتقبلون في رياض الجنة قبل أغنيائهم بأربعين خريفاً،<sup>(۱)</sup> ثم قال (عليه‌السلام): سأضرب لك مثلاً على ذلك إنما مثل ذلك مثل سفينتين مر بهما على عاشر<sup>(۲)</sup> فنظر في أحدهما فلم ير فيها شيئاً فقال أَسْرَبُوهَا ونظر في الأخرى فإذا هي موقورة فقال أحبسوها،<sup>(۳)</sup> (همانا فقیران مسلمان چهل سال قبل ثروتمندانشان وارد بهشت می‌شوند، سپس فرمودند: مثالی را برایت می‌زنم: مثل آنان همانند دو کشتی است، یکی ساده و دیگری پر تحمل. پس دزدانی به سوی آنها می‌آیند، وقتی آن کشتی ساده را می‌بینند، می‌گویند: رهایش کنید و وقتی آن کشتی تحملاتی را می‌بینند، می‌گویند: آن را دستگیر کنید).

مقصود حدیث این است که فقیران و پولداران هر دو مردمانی اطاعت‌پذیر و ملزم هستند ولی آنچه بین آنان فرق می‌گذارد، فقر و ثروت است. و اگر فقیران با طاعتی از طاعات، غیر از فقر مشمول بودند، این همه فضیلت و برتری نبود، و برتری تنها در خود طاعت شمرده می‌شد که در این صورت در اطاعت‌پذیری برابر می‌شدند و تفاوت میان آنان، فقر است و به همراه آن صبر و شکیبائی و رضایت‌مندی از تقدیر الهی می‌باشد و در حدیث آمده: «همانا فقر صبری است برای رسیدن به بهشت». و به تأخیر افتادن ثروتمندان به مدت چهل سال در کجاست؟ و در چه روزی است؟! در روزی که خُردسالان از شدت هول آن پیر می‌شوند، در مکانی که مادر کودک خود را فراموش می‌کند، در روزی که دوزخی را جز دوزخ سودی

۱. "الخريف"، به معنای فصل پاییز است؛ و سال، دارای چهار فصل است و مقصود چهل سال می‌باشد.

۲. یعنی مثل آن، مثل راهزن است که از هر ده چیز، یک چیز را اختیار می‌کند.

۳. الکافی ج ۲ ص ۲۶۰ باب فضل فقراء المسلمين.

نرساند، جز مؤمنان، در این عرصه‌ی تنگ میدان قیامت و تأخیر پیش آمده، چه حال به پولداران دست می‌دهد؟! و نمی‌دانند که در این امر سهمگین آنان رستگار می‌شوند یا خیر؟! ما را می‌بینی که به خاطر یک امتحان از یک درس ساده‌ی دنیوی چقدر نگران و مضطرب می‌شویم و تمام هم و غم خود را برای موفق شدن در آن قرار می‌دهیم آن هم امتحانی که از سوی انسان‌هایی مثل خودمان طراحی شده است؟! پس چگونه در پیشگاه الهی خواهیم بود، در حالی که این عدد به اندازه‌ی چهل فصل است و این که روزهایش از روزهای قیامت باشد و یک روز نزد پروردگار تو، هزار سال از آن چه که برمی‌شمرید است و دیگر حساب با شماس! و این حسابرسی پولدارانی است که مالشان حلال باشد و اگر حرام بود، تنها به پرسیدن از او مبنی بر این که اموالت را از چه راهی بدست آوردی و در چه راهی انفاق کردی و آیا به خانواده یا خویشاوندان و همسایه یا فقیر و مسکین چیزی بخشیدی، ختم نمی‌شود، بلکه باید عقوبت و مجازات آن را نیز بدهد... و الی آخر...

و عمر این شخص پولدار در زندگی دنیائی هر چقدر که بوده طبیعتاً نسبت به چهل پاییز از روزهای روز حساب، خیلی کمتر است. پس این انسان را چه شده که این گونه اصرار می‌کند و ثروتمندی در چند روز فانی دنیا را بر حسابرسی شدید، ترجیح می‌دهد؟!

از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده: (به امیر المؤمنین علیه السلام و دو شخص از مسلمانان درهم‌هایی دادند پس از مدتی آنان را جمع کرده و امر کردند تا از این صخره بالا روند در حالی که آفتاب سوزان بود و آنان پا برهنه بودند، رسول الله صلی الله علیه و آله خواستند این کار یک مثال عملی واقعی برای مسلمانان باشد تا نسبت به روز حساب بر حذر باشند، پس از علی علیه السلام در مورد درهم‌ها پرسیدند، حضرت علیه السلام فرمودند: آنان را برده و در راه خدا خرج کردم سپس از صخره پایین آمد بدون این که گرما ایشان را آزار دهد و آن شخص دوم و سوم می‌گفتند که با آن پول فلان چیز و فلان چیز را خریدیم. که امروز حال ما چنین شده، پس به رسول الله صلی الله علیه و آله می‌گفتند: یا رسول الله از شدت آفتاب سوزان و راه رفتن بر این صخره ناهموار به ما رحم کنید...).

اما آیا رسول الله صلی الله علیه و آله قصد مجازات آن‌ها را داشت؟! مطمئناً خیر اما می‌خواست به آنان نشان دهد که خداوند چگونه فقیران و ثروتمندان را مورد حساب قرار می‌دهد.



سعدان گوید: ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (المصائب منح من الله والفقر مخزون عند الله)،<sup>(۴)</sup> (مصیبت‌ها بخشش‌های خداست و فقر در خزان‌های خدا محفوظ است).

و نیز فرمودند: (قال رسول الله ﷺ: يا علي إن الله جعل الفقر أمانة عند خلقه فمن ستره أعطاه الله مثل أجر الصائم القائم ومن أفشا الي من يقدر على قضاء حاجته، فلم يفعل فقد قتله أما أن ما قتله بسيف ولا رمح ولكنه قتله بما نكى<sup>(۵)</sup> من قلبه)،<sup>(۶)</sup> (رسول الله ﷺ به امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (ای علی همانا خداوند فقر را امانتی نزد خلق خود گذاشته است، هر کس آن را محفوظ بدارد خداوند به او پاداش روزه‌دار (شب زنده‌دار) می‌دهد و هر کس که آن را نزد دیگری افشا کند تا آن کس نیازش را برآورده سازد کاری نکرده جز این که آبروی خود را کشته آن هم نه با شمشیر و نه با نیزه بلکه خود را با آن چه که از قلبش ریخت، کشته است).

پس این چه نعمتی است و چه نعمتی بالاتر از این است که خداوند امانت خود را به دست فقیر بدهد در حالی که اگر امانتی از یک شخص گرفته باشی - اگر مؤمن هستی - در حفظ اهتمام می‌ورزی و از آن حفاظت می‌کنی، و اگر آن، امانت از جانب پروردگار عالمیان باشد، امانتداری تو چگونه می‌شود؟! و این امانت با مؤمن مخلص برابری می‌کند که عملش مورد قبول خداوند است و روزها به روزه‌داری و شب‌ها را به شب زنده‌داری سپری می‌کند. و علاوه بر آن، فقر؛ آسودگی خاطر از همه‌ی عنادها را به همراه دارد.

از ابوذر رضی الله عنه روایت شده: (أن قيماً كان لأبي ذر الغفاري في غنمه فقال: قد كثر الغنم وولدت، فقال: تبشرنى بكثرتها، ما قل وكفى منها أحب إلي مما كثر وأهلي)،<sup>(۷)</sup> (ابوذر غفاری،

۴. الکافی ج ۲ ص ۲۶۰ باب فضل فقراء المسلمین.

۵. نکتة في العدو نكایة، یعنی میان دشمنان کتک خوردن و مجروح شدن (مقصود از نکی در حدیث، اشاره به کشته شدن بی رحمانه. ابو نجم گوید: دشمنان را می‌کشیم و مهمانان را اکرام می‌داریم. صحاح الجوهری ج ۶ ص ۲۵۱۵.

۶. الکافی ج ۲ ص ۲۶۱-۲۶۰ باب فضل فقراء المسلمین.

۷. مستدرک الوسائل میرزا نوری ج ۱۵ ص ۲۲۹. و نیز از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمودند: (إن ما قل وكفى خير مما كثر وأهلي، اللهم ارزق محمداً وآل محمداً الكفاف)، (مال اندک و کافی بهتر از کثرت آن و سرگرم شدن با آن است، خداوند کفاف را روزی محمد و آل محمد قرار ده). بحار الأنوار ج ۶۹ ص ۶۱/ و همچنین از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمودند: (اللهم ارزق محمداً وآل محمداً ومن أحبهم العفاف والكفاف وارزق من أبغض محمد وآل محمداً المال والولد)، (خداوند عفت کفایت مال را روزی محمد و آل محمد و دوستداران ایشان قرار ده، و زیادی مال و فرزندان را روزی دشمنان محمد و آل محمد قرار ده). بحار الأنوار ج ۶۹ ص ۶۶.

برای گوسفندان خود چوپانی داشت، پس چوپان به او مژده‌ی زاد و ولد و فزونی آن‌ها را داد، ابوذر گفت: ما را به فزونی آن بشارت می‌دهی؟! در حالی که اندک و کفاف آن برای من بهتر از فزونی و سرگرم شدن با آن است).

بنگر و در حفظ این فقر، ودیعه‌ی الهی کوشا باش و از دست آن نزد این و آن گریه زاری و شکوه و گلایه نکن و خداوند می‌فرماید: ﴿يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ﴾<sup>(۸)</sup> (از شدت خویشنداری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد).<sup>(۹)</sup>

پس فقر، ریشه در نیازمندی نفس دارد، نه نیازمندی به مال. همان‌گونه که در حدیث آمده است: (إن الإمام المهدي (عليه السلام) إذا قام ملاً قلوب أو نفوس شيعتنا غنى)، (هر گاه مهدی قیام کند، قلب‌ها و نفس‌های شیعیان ما را بی‌نیاز می‌کند).<sup>(۱۰)</sup>

و یکی از بزرگواران مؤمن می‌گوید به حدیث بنگر، نفس‌هایشان را لبریز می‌سازد نه جیب‌هایشان! و در زمان پیش از امام (علیه السلام) و لو جیب‌ها و خانه‌ها مملو بود اما نفوس مردم همواره فقیر و نیازمند بوده و به تحقیق در دعاء وارد شده: (وَأَجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي)، (و بی‌نیازیم را در نفسم قرار ده).<sup>(۱۱)</sup>

و نیز روایت شده: (قومی به سوی رسول الله ﷺ آمدند و تعدادشان ده نفر بودند، از رسول الله ﷺ درخواست کرده و حضرت نیز نیازها و حاجت‌های آنان را برآورده ساخت،

۸. البقرة: ۲۷۳.

۹. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (... فإن الله تعالى أدب عباده المؤمنين العارفين أدباً حسناً فقال جل من قال: يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافاً)، (... همانا خداوند متعال به بندگان مؤمن عارفی خویش ادب نیکویی داده و او کسی است که در وصف آنان می‌فرماید: از شدت خویشنداری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آن‌ها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، (چیزی) از مردم نمی‌خواهند). شرح الأخبار ج ۳ ص ۳۵۷.

۱۰. و از ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: (إذا قاتم قائمنا اهل البيت نزع البخل والجن عن قلوب شيعتنا، فيقتل الرجل منهم المائة فلايبالي بهم ويشرف اهل هذا الأمر ويحفظ نسلهم حتى تنقضي الدنيا...)، (هر گاه قائم ما اهل بیت قیام کند، بخل و ترس، از قلب‌های شیعیان ما ربوده می‌شود و هر مردی از آنان، صد تن را می‌کشد و هر اسی به دل راه نمی‌دهد و اهل این امر، از اشراف می‌گردند و نسلشان محفوظ می‌ماند تا آن زمان که دنیا پایان یابد). شرح الاخبار ج ۳ ص ۳۵۷.

۱۱. مصباح المتجهد للشيخ الطوسي ص ۱۴۳.

سپس فرمودند: آیا کسی از شما باقی مانده؟ عرض کردند: آری یا رسول الله، از ما جوانی باقی مانده. فرستاده‌ای به دنبال آن جوان فرستاده شد و به محضر رسول الله ﷺ آمد، حضرت به او فرمود: حاجتت را بگو. جوان عرض کرد: یا رسول الله از شما می‌خواهم برای من دعاء کنید خداوند بی‌نیازی‌ام را در نفسم قرار دهد. رسول الله ﷺ برای او دعاء کرد و نیز مانند بقیه‌ی اصحاب حاجت روا شد، سپس رفتند و بعد از مدتی بار دیگر بازگشتند. رسول الله ﷺ سراغ آن جوان را از آنان گرفت، اصحاب عرض کردند: یا رسول الله این جوان اگر دنیا در یک مکان قرار گیرد و بین مردم تقسیم شود، او هرگز حضور نمی‌یابد.<sup>(۱۲)</sup>

و مقصود داستان این بوده که خداوند به سبب دعای رسول الله ﷺ در حق آن چه که این جوان طلب کرده، (بی‌نیازی در نفس) به او بخشید و چه نیک حاجتی طلبید. در مقابل، حدیث ذکر می‌کند هنگامی که فقیر نزد ثروتمندی می‌رود و فقر و نیازمندی خود را نزد او آشکار می‌کند و آن ثروتمند حاجتش را برآورده نمی‌سازد با این امر در حقیقت فقیر خود را خوار و ذلیل و خودش نفس خود را به قتل رسانده است.

### فقر باعث فزونی ایمان می‌شود

مفضل گوید: ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (كلما أزداد العبد أيمانا، أزداد ضيقاً في معيشته)، (هر گاه ایمان بنده‌ای فزونی یابد، فقر و تنگدستی در معیشت او نیز فزونی می‌یابد).<sup>(۱۳)</sup> و هر گاه بنده‌ای به خداوند و اولیای او نزدیک می‌گردد، عرصه‌ی میدان زندگی بر او تنگ‌تر می‌گردد. آشکار است که فقر، همواره خیر را برای انسان به همراه داشته - اما نه هر فقری - در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده است که می‌فرماید: (المال مادة الشهوات)، (مال عامل شهوات است).<sup>(۱۴)</sup> هر گاه مال بسیاری در دست انسان باشد به سبب این اموال بسیار، - پناه بر خدا - هر منکر و فحشا و معیصتی را انجام می‌دهد؛ زیرا این مال تمام موقعیت‌ها را

۱۲. از رسول الله ﷺ روایت شده که در کلامی طولانی فرمودند: (... وخير الغني غني النفس)، (... و بهترین قناعت، قناعت نفس است...).

۱۳. الکافی ج ۲ ص ۲۶۱ باب فضل فقراء المسلمین.

۱۴. نهج البلاغه ج ۴ ص ۱۴ رقم ۵۸.

برای او مهیا می‌کند. می‌بینید که فرزندان بیشتر ثروتمندان در زمین فساد و معیصت به راه می‌اندازند و فساد سبب از بین رفتن ایمان می‌شود و انسان را از خداوند و اولیای او دور می‌کند، حال آن که، در فقر خیری بسیار است؛ چرا که انسان را از التفات و توجه به خود، باز می‌دارد؛ زیرا چیزی نمی‌یابد که او را سرگرم و غافل کند، اما به این شرط این که قناعت پیشه کند و طمع کار نباشد، صبور و شکیبیا باشد نه کفر به نعمت کند، و وقت ارزشمند خود را در اطاعت و عبادت الهی که به فضل خداوند هیچ حد و حدودی ندارد، را غنیمت می‌شمرد. پس خوشا به حال فقیران، آن هنگام که فقر باعث فزونی ایمان می‌شود، آیا عاقلی هست که فزونی چیزی را بر فزونی ایمان ترجیح دهد؟! طبیعی است که در فقر و گرسنگی ارتقای روح مؤمن و سیر آن در عالم ملکوت یا رسیدن به درجات ایمان و کمال نهفته که خداوند انسان را به خاطر آن خلق کرده است.

ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (قال رسول الله ﷺ طوبى للمساكين بالصبر وهم الذين يرون ملكوت السماوات والأرض)، (رسول الله ﷺ فرمودند: خوشا به حال فقیرانی که صبر پیشه می‌کنند آنان کسانی هستند که ملکوت آسمان‌ها و زمین را می‌بینند).<sup>(۱۵)</sup>

### قناعت و بی‌نیازی مدح شده:

ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (ما أعطي عبد من الدنيا إلا اعتباراً وما زوي عنه إلا اختباراً)، (در دنیا به بنده‌ای چیزی داده نشد مگر اعتباری و چیزی از او دور نشد مگر از روی امتحان).<sup>(۱۶)</sup>

خداوند هر چیزی که به بندگان عطاء می‌کند لازم است که آن را مورد عبرت خویش قرار دهند و از آن همان‌گونه که خداوند سفارش کرده، استفاده کنند و در حدیثی آمده است: (أن من عبادي من رأيت الغني يصلحه، فأغنيته)، (هر گاه ثروتمندی از بندگانم را ببینم که با ثروت خویش امور را اصلاح می‌کند، پس او را غنی می‌سازم).<sup>(۱۷)</sup>

۱۵. الكافي ج ۲ ص ۲۶۳ باب فضل فقراء المسلمين.

۱۶. الكافي ج ۲ ص ۲۶۳ باب فضل فقراء المسلمين.

۱۷. متن کامل حدیث قدسی: عن ابی عبیده الخدّاء، عن ابی جعفر (علیه السلام) قال رسول الله ﷺ: (قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ

مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يُصَلِّحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ فَيُصَلِّحْ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ. وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَعِبَادًا لَا يُصَلِّحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسَّقْمِ فِي أَيْدِيهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسَّقْمِ فَيُصَلِّحْ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يُصَلِّحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ زَفَادِهِ وَلَدِيدِ وَسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيَالِيَ فَيَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَاضْرِبُهُ بِالتَّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مَتَى لَهُ وَابِقَاءٌ عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَهُوَ مَاقَتْ لِنَفْسِهِ زَارِي عَلَيْهَا وَلَوْ أَخْلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَرِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَجَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَبَاعَدُ مِنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ فَلَا يَتَكَلَّمُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمْ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِتَوَابِي فَأَتِيهِمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَاتَّبَعُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَفْتُوا أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقْصَرِينَ غَيْرَ بِالْغِنَى فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي وَالتَّعْمِيمِ فِي جَنَابِي وَرَفِيعِ دَرَجَاتِي الْعُلَى فِي جِوَارِي وَلَكِنْ فَبِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا وَبِفَضْلِي فَلْيَفْرَحُوا وَإِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تُدَارِكُهُمْ وَمَتَى يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي وَمَغْفِرَتِي ثَلْبَسُهُمْ عَفْوِي فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَبِذَلِكَ تَسْمِيَّتِي)، خداوند عز و جل فرمود: (برخی از بندگان مؤمن من، دینشان پایدار نگردد جز با توانگری و وسعت و تندرستی (اگر زندگی مناسب و در خوری داشته باشند، خدای را بندگی می‌کنند و آنگاه که فقر و بدبختی بدیشان روی آورد، از دین خود کناره می‌گیرند. خداوند آنها را به شدايد و سختی‌ها مبتلا نمی‌سازد؛ چرا که صلاح آنها در رفاه و سلامتی است و تحمل مصیبت و گرفتاری را ندارند)؛ پس آنها را با ثروت و وسعت و تندرستی می‌آزمایم، تا امر دینشان اصلاح گردد و برخی از بندگان دینشان پایدار نگردد، جز با فقر و تهی‌دستی و بیماری آنها را با فقر و تهی‌دستی و بیماری می‌آزمایم، تا امر دینشان اصلاح گردد. من به آنچه دین بندگان مؤمنم را اصلاح کند داناترم و برخی از بندگانم در عبادت من می‌کوشند و از خواب و بستر راحت، بر می‌خیزند و در نیمه‌های شب برای من، نماز شب می‌خوانند و در پرستش من خود را به زحمت می‌افکنند از روی لطف به او و برای اینکه ایمانش باقی بماند، یکی دو شب خواب را بر او چیره می‌سازم. پس او تا صبح می‌خوابد و آنگاه که از خواب بر می‌خیزد، بر خود خشمگین است و خود را سرزنش می‌کند (که چرا از عبادت محروم شدم) و اگر او را واگذارم که هر چه بخواهد عبادت کند، خودبینی او را فرا می‌گیرد و همان خودبینی او را فریفته اعمالش می‌سازد و حالتی به او دست می‌دهد که موجب از بین رفتن دینش می‌گردد، چون به اعمالش خشنود می‌گردد و از خود راضی می‌شود تا آنجا که گمان می‌کند بر همه عابدان برتری دارد و در عبادت از حد تقصیر و کوتاهی فراتر رفته است (در صورتی که پیامبران نیز اعتراف به کوتاهی و تقصیر در عبادت می‌کنند آن هنگام از من دور می‌شود و خود می‌پندارد به من نزدیک می‌گردد! پس کسانی که به جهت پاداش و ثواب، اعمالی انجام می‌دهند، نباید به آنها تکیه کنند زیرا آنها هر چه کوشش کنند و خود را به زحمت افکنند و عمر خود را در راه عبادت من سپری سازند، باز مقصرند و با عبادت خود به حقیقت و ژرفای پرستش من نمی‌رسند و شایستگی و صلاحیت دریافت کرامت و نعمتهای بهشتی و درجات والایی که در جوار من طلب می‌کنند، نمی‌یابند و لکن به رحمت من باید اعتماد کنند و به فضل شادمان بوده و اطمینانشان به حسن ظن به من باشد در آن هنگام رحمت دستگیرشان می‌شود و رضوانم به آنها می‌رسد و آمرزشم بر آنها لباس گذشت می‌پوشاند همانا من خدای رحمن و رحیمم و بدین نام، نامیده شده‌ام).

چه بسا این بنده هر گاه فقیر شود، کفر ورزد (پناه بر خدا).  
 در حدیث آمده است: (فقر و صبر یكون الى الجنة وغنى و شکر یكون الى الجنة)، (نتیجه‌ی فقر و شکیبائی، و بی‌نیازی و شکر گذاری، بهشت است).  
 و در حدیث دیگری آمده: (اغتنم خمساً قبل خمس: شبابک قبل هرمک، وصحتک قبل سقمک، وغناک قبل فقرک، وفراغک قبل شغلک و حیاتک قبل موتک)، (پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی را قبل از پیری و سلامت را قبل از بیماری و بی‌نیازی را قبل از درویشی و فراغت را قبل از مشغولی و زندگی را قبل از مرگ).<sup>(۱۸)</sup>

جایگاه اصلی در این حدیث «بی‌نیازی قبل از فقر» است، که انسان می‌تواند با نعمتی که خداوند به او ارزانی داشته و اموال بسیار خود را در راه اطاعت و بندگی الهی صرف کند و اگر فقیران و مسکینان و نیازمندان نبودند، به چه کسی می‌توان اموال خود را داد و ثوابی بسیار و اندوخته‌ای برای روزی که نه مال سود می‌بخشد و نه فرزندان جز آن کس که با قلبی خالص در پیشگاه پروردگار حاضر گردد؟! و در حدیثی دیگر از امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است، هر گاه فقیری نزد ایشان (علیه السلام) می‌آمد می‌فرمودند: (مرحباً بمن یحمل زادی الى الآخرة)، (مرحباً به کسی که توشه‌ی مرا برای من به آخرت می‌برد).<sup>(۱۹)</sup>

و از امام حسن مجتبی (علیه السلام) روایت شده که به جابر انصاری فرمودند: (کیف أصبحت یا جابر؟ فقال: أصبحت أحب الموت، أكره الحياة وأحب المرض وأكره الصحة وأحب الفقر وأكره الغنى. فقال الإمام (علیه السلام) هذا انت یا جابر فأما نحن فنحن فنحب ما یحب لنا نحب الموت إذا جاء الموت ونحب المرض إذا جاء المرض ونحب الغنى إذا جاء).<sup>(۲۰)</sup>

یعنی ما اهل بیت، هر چه از ناحیه خداوند رسد، نزد ما محبوب‌ترین است: فقر یا غنی، مرض یا سلامتی، مرگ یا زندگی... و در دعاء چنین آمده: (... وأعوذ بك من غنى یطغیني وفقر ینسیني...)، (پناه می‌برم به تو از ثروتی که مرا سرکش کند و فقری که تو را از یادم

۱۸. بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۱۷۳.

۱۹. بحار الأنوار ج ۴۶ ص ۹۸.

۲۰. جامع السعادات - ج ۳ ص ۲۸۵.

ببرد).<sup>(۲۱)</sup>

از ابا عبد الله (عليه السلام) روایت شده، فرمودند: (ما كان من ولد آدم مؤمن إلا فقيراً ولا كافر إلا غنياً حتى جاء ابراهيم (عليه السلام) فقال: ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا، فصير الله في هؤلاء أموالاً وحاجة وفي هؤلاء أموالاً وحاجة)، (هیچ مؤمنی از فرزندان آدم نبود، مگر این که فقیر بود، و هیچ کافر نبود مگر این که غنی بود، تا این که زمان ابراهیم (عليه السلام) فرا رسید. آن حضرت به خداوند عرض کرد: «پروردگارا ما را مایه فتنه‌ی کافران قرار مده». پس خداوند در کافران هم مال و هم نیاز و در مؤمنان نیز هم مال و هم نیاز قرار داد).<sup>(۲۲)</sup>

به عبارت دیگر ممکن نیست که مؤمنان ثروتمند و غنی باشند، اما مال خیلی اندکی بین آنان تقسیم شد.

مبارک غلام شعیب گوید از ابا الحسن موسی (عليه السلام) شنیدم که فرمودند: (إن الله عز وجل يقول أني لم أغن الغني لكرامة به على ولم أفقر الفقير لهوان به على وهو مما أتليت به الأغنياء بالفقراء ولو لا الفقراء لم يستوجب الأغنياء الجنة)، (خداوند متعال می‌فرماید: من ثروتمند را برای کرامت ثروت نبخشیدم و تهی دست را برای نیاز به من فقیر نساختم، همانا از آن ثروتمندان را به فقیران مبتلا کردم، اگر تهی‌دستان نیستند بهشت برای ثروتمندان واجب نمی‌گشت).<sup>(۲۳)</sup>

سبحان الله حتی ورود ثروتمندان به بهشت، مستلزم دادن و بخشیدن حقوق فقیران می‌باشد. پس ما را چه شده که اندیشه نمی‌کنیم، بار الهی حب دنیا و توابع آن را از قلب‌هایمان خارج کن.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: (أفضل الأموال أحسنها أثراً عليك)، (بهترین اموال چیزی است که بهترین اثر را بر تو وارد کنند).<sup>(۲۴)</sup>

و نیز فرمودند: (إن خير المال ما كسب ثناءً وشكراً وأوجب ثواباً وأجرًا)، (همانا مال خوب چیزی که سپاس و تمجید را کسب می‌کند، و ثواب و اجر را ایجاب کند).<sup>(۲۵)</sup>

۲۱. بحار الأنوار ج ۹۱ ب ۴۰ ص ۲۴۰.

۲۲. الکافی ج ۲ ص ۲۶۲ باب فضل فقراء المسلمين.

۲۳. الکافی ج ۲ ص ۲۶۲ باب فضل فقراء المسلمين.

۲۴. موسوعة أحاديث أهل البيت (عليه السلام) للشيخ هادي النجفي ج ۱۰ ح ۱۲۴۰۸ ص ۱۱۸.

۲۵. موسوعة أحاديث أهل البيت (عليه السلام) للشيخ هادي النجفي ج ۱۰ ح ۱۲۴۱۰ ص ۱۱۸.

و نیز فرمودند: (إن خیر المال ما أورثک ذحراً و ذکراً و أكسبک حمداً و أجراً)، (همانا مال خوب چیزی که فخر و یاد خوب را وارثت کند، و سپاس و اجر را نصیبت کند).<sup>(۲۶)</sup>  
و نیز فرمودند: (خیر أموالک ما کفاک)، (بهترین اموال تو، آن است که کفاف تو را بدهد).<sup>(۲۷)</sup>

و عیسی بن موسی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: (قال یا عیسی المال مال الله عز وجل جعله ودایع عند خلقه و أمرهم أن یأکلوا قصداً و یشرؤا منه قصداً و یلبسوا منه قصداً و ینکحوا منه قصداً و یرکبوا منه قصداً و یعودوا بما سوی ذلک علی الفقراء المؤمنین، فمن تعدی ذلک کان ما أکله حراماً، و ما شرب منه حراماً و ما لبسه منه حراماً و ما نکحه منه حراماً و ما رکبه منه حراماً)، (ای عیسی! مال، مالِ خداوند است که در نزد خلق به ودیعه نهاده شده و آنان را امر کرد که به اندازه‌ی نیاز از آن بخورند و بنوشند و بپوشند و به نکاح درآورند و سوار بر مرکب آن شوند و اضافه‌ی آن را به فقیران مؤمن عطاء کنند و هر کس از آن حدود بگذرد، آن چه که خورده و نوشیده و پوشیده و به نکاح درآورده و یا بر مرکب آن سوار شده، بر او حرام گشته‌اند).<sup>(۲۸)</sup>

## در طول تاریخ فقیران چه کسانی بودند؟

### اول: قسمتی از سیره‌ی انبیاء:

هر کس تاریخ انبیاء را خوانده و در آن تدبر کرده، به این نتیجه می‌رسد که زندگیشان سراسر دارای مشکلات و گرفتاری‌های بسیاری بوده است.  
در حدیث آمده است: (أشد الناس بلاءً هم الأنبياء والأوصياء والأمثل فالأمثل)، (گرفتارترین مردم در شداید و بلاها، انبیاء و اوصیاء و امثال آنان هستند).<sup>(۲۹)</sup>  
امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (إن من الأنبياء من مات جوعاً و منهم من مات عطشاً)، (همانا چه

۲۶. موسوعة أحاديث أهل البيت (علیهم السلام) للشيخ هادي النجفي ج ۱۰ ح ۱۲۴۱۱ ص ۱۱۸.

۲۷. میزان الحکمة ل محمد الریشهری ج ۴ ص ۲۹۹۴.

۲۸. بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۱۶.

۲۹. الکافی ج ۲ ص ۲۵۳-۲۵۲ باب شدة ابتلاء المؤمن.



پیامبرانی که برخی از آنها، گرسنه از دنیا رفتند و برخی تشنه مُردند).<sup>(۳۰)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: (قَالَ فِي مُنَاجَاةِ مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ مَرَحِبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ وَإِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا فَقُلْ ذَنْبٌ عَجَلْتُ عُقُوبَتَهُ)، (خداوند به حضرت موسی فرمود: ای موسی زمانی که دیدی فقر جلوی توست و رو به سوی تو نموده پس بگو مرحبا به شعار صالحین و زمانی که دیدی غنی و ثروتمندی در پس روی توست بس بگو که این گناهی است که عقوبتش به تعجیل افتاده).<sup>(۳۱)</sup>

و روایت شده: (أَنَّ عِيسَى عليه السلام أَشْتَدَّ بِهَ الْمَطَرِ وَالرَّعْدِ يَوْمًا فَجَعَلَ يَطْلُبُ شَيْئًا يَلْجَأُ إِلَيْهِ فَرَفَعَتْ لَهُ خِيْمَةٌ مِنْ بَعِيدٍ فَأَتَاهَا فَإِذَا فِيهَا أَمْرَأَةٌ فَحَادَ عَنْهَا فَإِذَا هُوَ بِكَهْفٍ فِي جَبَلٍ فَأَتَاهُ فَإِذَا فِيهِ اسد فوضع يده عليه وقال: أهني لكل شيء مأوى ولم تجعل لي مأوى. فأوحى الله تعالى إليه: مأواك في مستقر رحمتي وعزتي لأزوجنك يوم القيامة مائة حورية خلقتها بيدي ولأطعم في عرسك أربعة آلاف عام يوم منها كعمر الدنيا ولأمرن منادياً ينادي أين الزهاد في الدنيا أحضروا عرس الزاهد عيسى بن مريم)، (روزی رعد و برق غرید و باران بر عیسی علیه السلام شدت گرفت و او در پی پناهگاهی بود، ناگهان از دور خیمه‌ای دید به سوی آن شتافت ولی درون آن خیمه زنی بود، پس از آنجا دور شد و در همین حین غاری را دید و به سوی آن رفت، در آن غار شیری خفته بود عیسی علیه السلام دست خویش را بر سر شیر کشید و فرمود: خداوندا برای همه چیز مسکن قرار داده‌ای جز برای من. خداوند به او وحی کرد: ای عیسی جایگاه و مسکن تو در جوار رحمت من است، به عزتم سوگند در روز قیامت صد حوریه که با دست خویش خلق کردم را به نکاح تو درمی‌آورم و در روز عروسی تو چهار هزار سال که یک هر روز آن با یک عمر در دنیا برابری می‌کند، به مهمانان تو غذا و طعام می‌دهم و به منادی امر می‌کنم که نداء دهد: زاهدان دنیا کجایند؟! در عروسی زاهد عیسی بن مريم حضور یابید).<sup>(۳۲)</sup>

و ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام أَنْكَ نَعْمَ الْعَبْدُ لَوْ لَا أَنْكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا. قَالَ: فَبَكَى دَاوُدُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ: أَنْ لَنْ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَأَلَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ فَكَانَ

۳۰. الكافي ج ۲ ص ۲۶۳ باب فضل فقراء المسلمين

۳۱. قصص الأنبياء لعمدة الله الجزائري ص ۴۷۱.

۳۲. الكافي ج ۵ ص ۷۴.

يعمل كل يوم درعاً فيبيعها بألف درهم فعمل ثلاثمائة وستين درعاً فباعها بثلاثمائة وستين ألفاً واستغنى عن بيت المال)، (امير المؤمنين (علیه السلام) فرمودند: خدای بزرگ به داوود (علیه السلام) وحی فرستاد که تو، اگر از بیت المال نمی خوردی و با دست خود کار می کردی، بنده خوبی بودی. داوود چهل روز گریست، آن گاه خدا به آهن وحی (اشاره) کرد که در دست بنده من داود نرم باش. بدینسان، خدای بزرگ آهن را برای او نرم کرد، و او هر روز یک زره می بافت و به هزار درهم می فروخت. سیصدوشصت زره بافت و آن ها را به سیصدوشصت هزار درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز شد).<sup>(۳۳)</sup>

امير المؤمنين (علیه السلام) در حدیثی از فرموده‌ی موسی (علیه السلام): (رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فرمودند: واللّٰهُ، ما سألهُ إلاَّ حُبْرًا يَأْكُلُهُ، لانهُ كان يأكلُ بقلةِ الأرض، ولقد كانت حُضْرَةً البقل تُرى من شفيف صفاق بطنه...)، (... پروردگارا: هر چه به من از نیکی عطاء کنی نیازمندم» به خدا سوگند (آن روز) موسی غیر از قرص نانی که بخورد از خدا نخواست زیر او (مدتی بود) از گیاهان زمین استفاده می کرد تا آنجا که در اثر لاغری (و جذب شدن مواد این گیاهان) سبزی گیاه از پشت پرده شکمش آشکار بود).<sup>(۳۴)</sup>

اگر این حال ایشان بود پس حالت فقرش چگونه است؟ در حالی که ایشان کلیم الله و پیامبری از پیامبران اولی العزم می باشد.

و از عیسی (علیه السلام) روایت شده که می فرمود: (خادمي يداي ودائي رجلاي وفراشي الأرض ووسادي الحجر ودفني في الشتاء مشارق الأرض وسراجي بالليل القمر وإدامي الجوع وشعاري الخوف ولباسي الصوف وفاكهي وريحاني ما أنبت الأرض للوحوش والأنعام أبيت وليس لي شيء وأصبح وليس لي شيء وليس على وجه الأرض أحد أغنى مني)، (خادمان من، دستهایم و جنبندهام، پاهایم و فرشم، زمین و بالشتم، سنگ و گرمایم در زمستان، مشرق زمین و چراغم در شب، ماه و عادت، گرسنگی و شعارم خوف و لباسم، پشم و غذا و میوه‌ی من تمام رویدنی‌هایی که بر زمین رویده و طعام حیوانات است، می باشد. شب را به سر می برم در حالی که هیچ چیزی ندارم و صبح را سر می کنم در حالی که هیچ چیز برانم نیست، هیچ کس

۳۳. تفسیر مجمع البیان للشیخ الطبرسی ج ۷ ص ۴۲۸.

۳۴. قصص الأنبياء لنعمة الله الجزائري ص ۴۶۰.

بر روی زمین بی‌نیازتر از من نیست).<sup>(۳۵)</sup>

نیز از حضرت (علیه السلام) روایت شده که به اصحاب خویش می‌فرمودند: (... النوم علی المزابل وأکل خبز الشعير كثير مع سلامة الدين)، (خوابیدن در زباله‌دان‌ها و خوردن نان جوین به همراه سلامت دین، به مراتب از این حالت بهتر است).<sup>(۳۶)</sup>

در طول تاریخ حال انبیاء و رسولان این‌چنین بوده، در حالی که آنان (علیه السلام) مقرب‌ترین افراد به خداوند و اولیاء و دوستان او هستند. بر ما است که به سیره‌ی اولیای الهی و تأسی به آنان توجه کنیم و خداوند را به خاطر شباهت و مساوات با آنان (علیه السلام) شکر کنیم.

### دوم: سیره‌ی از زندگی آل محمد (علیه السلام)

روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله) در دعای خویش می‌فرمودند: (اللهم أحيي مسكيناً وأميتي مسكيناً وأحشري في زمرة المساكين)، (خداوندا مرا مسکین زنده نگاهدار و مسکین بمیران و با مسکینان محشورم بدار).<sup>(۳۷)</sup>

و امام رضا (علیه السلام) نیز از پدران‌شان نقل می‌فرمایند: (قال أمير المؤمنين (علیه السلام): كنا مع النبي (صلی الله علیه و آله) في حفر الخندق إذ جاءت فاطمة ومعها كسيرة من خبز فدفعتها إلى النبي (صلی الله علیه و آله). فقال النبي: ما هذه الكسيرة؟ قالت: خبزته قرصاً للحسن والحسين جئتك منه بهذه الكسيرة. فقال النبي (صلی الله علیه و آله): يا فاطمة أما إنه أول طعام دخل جوف أبيك منذ ثلاث). (امیر المومنین (علیه السلام) فرمودند: ما همراه رسول الله (صلی الله علیه و آله) در حفر خندق حضور داشتیم که دخترش فاطمه (علیها السلام) آمدند که به همراه خود تکه‌ای از قرص نان آورده بود پس آن را به رسول الله (صلی الله علیه و آله) داد، رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: این تکه چیست؟ فرمود: پدر تکه‌ای از قرص نان حسن و حسین بود که قسمتی از آن را برایتان آوردم. رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای فاطمه جان این اولین لقمه‌ای است که بعد از سه روز وارد شکم پدرت می‌شود).<sup>(۳۸)</sup>

و از یکی از همسران رسول الله (صلی الله علیه و آله) روایت شده که گوید: (كان يمر بنا هلال وهلال ما

۳۵. علل الشرائع ج ۲ ص ۴۶۷.

۳۶. بحار الأنوار ج ۶۹ ص ۴۹.

۳۷. بحار الأنوار ج ۱۶ ص ۲۲۵.

۳۸. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۹ ص ۸۱ ح ۱۰۲۷۰.

یوقد فی بیت من بیوت رسول الله ﷺ نار. فقیل لها: فعلی أي شیء کنتم تعیشون؟ قالت: علی الأسودین التمر والماء)، (دو ماه می گذشت و در خانه پیامبر آتش افروخته نمی شد. گفته شد: پس غذایتان چه بود؟ فرمود: فقط خرما و آب).<sup>(۳۹)</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (وقد أخبرني حبيبي رسول الله ﷺ أن جبرئيل (علیه السلام) نزل إليه ومعه مفاتيح كنوز الأرض وقال: يا محمد السلام يقرؤك السلام ويقول لك: إن شئت صيرت معك جبال تامة ذهباً وفضة وخذ هذه المفاتيح كنوز الأرض ولا ينقص ذلك من حظك يوم القيامة. قال: يا جبرئيل وما يكون بعد ذلك؟ قال: الموت. فقال: إذا لا حاجة لي في الدنيا، دعني أجوع يوماً وأشبع يوماً، فاليوم الذي أجوع فيه أتضرع إلى ربي وأسأله، واليوم الذي أشبع فيه أشكر ربي وأحمده. فقال له جبرئيل: وفقت لكل خير يا محمد)، (حبيبم رسول الله ﷺ به من خبر داد که جبرئیل بر ایشان نازل شد در حالی که در دستش کلیدهای گنجهای زمین بود و به من فرمود: ای محمد خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: اگر اراده کنی تمام کوههای تهامه برای تو طلا و نقره می‌شوند این کلیدهای گنجهای زمین را برگیر که با این کار، ذره‌ای از مقام و منزلت تو در قیامت کاسته نمی‌شود. عرض کردم: ای جبرئیل بعد از آن چه می‌شود؟ فرمود: مرگ. عرض کردم: پس هیچ حاجتی به مال دنیا ندارم، بگذار یک روز گرسنه و یک روز سیر باشم و در روزی که گرسنه هستم به درگاه الهی تضرع کنم و از او مسئلت کنم و روزی که در آن سیرم را به حمد و سپاس پروردگارم مشغول باشم. پس جبرئیل فرمود: ای محمد خداوند هر خیری را توفیق تو قرار دهد).<sup>(۴۰)</sup>

و نیز از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمودند: (یا معشر المساکین طیبوا نفساً وأعطوا الله الرضا من قلوبکم یتبتکم الله علی فقرکم فإن لم تفعلوا فلا ثواب لکم)، (ای گروه مسکینان نفس خود را پاک گردانید و با قلبهایتان رضای الهی را بجویید تا خداوند شما را بر فقرتان استوار گرداند و اگر چنین نکردید ثوابی برایتان نخواهد بود).<sup>(۴۱)</sup>

محمد بن مسلم گوید: ابو جعفر (علیه السلام) فرمودند: (إذا کان يوم القيامة أمر الله تبارک وتعالی

۳۹. مسند أحمد ج ۶ ص ۷۱.

۴۰. بحار الأنوار ج ۴۲ ص ۲۷۶.

۴۱. الکافی ج ۲ ص ۲۶۳ باب فضل فقراء المسلمین.

منادياً ينادي بين يديه أين الفقراء فيقوم عنق من الناس كثير فيقول عبادي فيقولون لبيك ربنا فيقول إني لم أفقركم لهوان بكم علي ولكني إنما اخترتكم لمثل هذا اليوم تصفحوا وجوه الناس من صنع إليكم معروفاً لم يصنعه إلا في فكافئوه عني بالجنة)، (هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد خداوند به منادی که حاضر است فرمان می‌دهد که نداء دهد: فقیران کجایند؟ پس گروهی از مردم بر می‌خیزند و خداوند می‌فرماید: بندگان من. آن‌ها می‌گویند: لبيك اي پروردگار ما. می‌فرماید: من هرگز به خاطر این که به من توجه کنید شما را فقیر نساختم بلکه شما را برای این روز اختیار کردم، به مردم نظر کنید و ببینید هر کس کار خوبی در حق شما کرده از طرف من او را به بهشت ببرید).<sup>(۴۲)</sup>

یعنی فقیران کسانی هستند که خداوند به آنان اجازه داده تا ثروتمندانی که از آنان دستگیری کردند و یا غیره در حقشان خوبی کرده‌اند را وارد بهشت سازند. و نیز روایت شده: (ما تجشأ رسول الله ﷺ من شبع قط)،<sup>(۴۳)</sup> (رسول الله ﷺ ابدأ به خاطر پر شدن شکم آروغ نکردند).

اگر حال سرور مخلوقات و صاحب مقام عالی نزد پروردگار که هیچ کس یارای رسیدن به آن ندارد، در فقر و گرسنگی این‌گونه باشد، و این قطعاً کرمی از جانب خداوند می‌باشد؛ زیرا خداوند، هر آن‌چه که دوست می‌دارد را به مطیع‌ترین خلق خویش، محمد ﷺ و هر کس که در این صفات فقر و گرسنگی شبیه به محمد ﷺ باشد را عطاء می‌کند. پس آن کرامت و

۴۲. الکافی ج ۲ ص ۲۶۴ - ۲۶۳ باب فضل فقراء المسلمين.

۴۳. حر عاملی از حسن بن محمد دیلمی (در ارشاد) نقل می‌کند که او گوید: (پیامبر لباس خود را بلند می‌کرد، و پای‌افزار خود را پینه می‌زد، و لباس خود را وصله می‌کرد، و گوسند خود را می‌دوشید، و با غلامان غذا می‌خورد، بر روی زمین می‌نشست، بر الاغ بی پالان سوار می‌شد و کسی را هم در ردیف خود سوار می‌کرد، و در حمل چیزی از بازار تا منزل خجالت نمی‌کشید، و با ثروتمند و فقیر دست می‌داد، و دست خود را از دست دیگری نمی‌کشید تا آن شخص خود دستش را بکشد، و به هر کس که با ایشان رو به رو می‌شدند چه ثروتمند و چه فقیر چه بزرگ و چه کوچک سلام می‌کرد، هر چه به ایشان تعارف می‌شد کوچک نمی‌شمرد، حتی اگر نامرغوب‌ترین نوع خرما بود، هزینه زندگی‌اش اندک است، دارای طبع بزرگ و خوش معاشر، و خوش رو بود. بدون این که بخندد همیشه تبسمی بر لب داشت و بدون این که چهره‌اش درهم کشیده باشد، اندوهگین به نظر می‌رسید. بدون این که از خود ذلتی نشان دهد همواره متواضع بود. بدون این که اسراف بورزد سخی بود، دل نازک و با همه مسلمانان مهربان بود، ابدأ به خاطر پر شدن شکم آروغ نکردند، و دست خود را به هیچ عنوان برای طمع دراز نکردند). وسائل الشیعة: ج ۵ ص ۵۵.

نعمت و هدیه‌ای است برای ایشان از جانب خداوند؛ زیرا عطائی که از آن به محمد (صلی الله علیه و آله) داده شد، نیز به تو داده شد ای فقیر، چرا در مورد صفتی که با وجودش شبیه و مانند سرور جهان، محمد (صلی الله علیه و آله) شده‌ای، دچار افسردگی و پریشان حالی می‌شوی؟! بلکه این نعمت عظیم، مستلزم شکر و سپاس از ایزد مَنان می‌باشد. لذا از افراد نادان نباشیم که حقائق نزد ما بر عکس جلوه شوند و فضایل را رذایل و رذایل را فضایل ببینیم.

از خداوند خواستاریم که احوال، اندوه و خواسته‌هایی همانند احوال و اندوه و خواسته‌های اولیای خویش را روزی ما قرار دهد.

شیخ صدوق در علل الشرائع روایت می‌کند: (هنگامی که علی بن حسین (علیه السلام) خواست پدر خویش (علیه السلام) را غسل دهد، دید که بر پشت و شانه‌های ایشان (علیه السلام) آثاری همچون رد پای شتر است که این نشانه‌ها گویای اهتمام امام (علیه السلام) برای فقیران بوده که شب‌ها بر دوش خویش غذا حمل می‌کرده و به منازل فقیران و مساکین می‌بردند).<sup>(۴۴)</sup>

رسیدگی به فقیران و مساکین هدف و اهتمام اصلی اولیای الهی بوده (بر عکس ثروتمندان) و این امر مایه‌ی شرف و افتخار ایشان است.

### آنچه که از امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت شده

روایت شده که در هنگام ازدواج حضرت علی (علیه السلام) با سرور زنان دو عالم فاطمه زهرا (علیها السلام) امام زره خود را فروخت و فرش ایشان در اتاق عروس خاک و بالشت ایشان توده‌ای از خاک نرم بود که بر آن پوست حیوان انداخته شده، حضرت همواره پا به پا آثار رسول الله (صلی الله علیه و آله) را دنبال می‌کردند (به ایشان اقتداء می‌کردند) و آیات قرآنی که شب و روز خوانده می‌شوند برای بیان گرسنگی و فقرشان کفایت می‌کند، سه روز نان جو نمی‌خوردند نانی که امروز هیچ کس از آن نام نمی‌برد و برخی دیگر اصلاً آن را نمی‌شناسند.<sup>(۴۵)</sup>

۴۴. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۳۱.

۴۵. بروی: (ان ابا بکر خطب فاطمة من رسول الله ﷺ، فقال له: انتظر بما القضاء. فذكر ذلك لعمر فقال: ردك يا ابا بکر، فخطبها عمر فقال له مثل ما قال لأبي بکر، فقال أهل علي لعلي (علیه السلام): أخطب فاطمة. فأتى رسول الله ﷺ فقال: ما حاجتك؟ فقال: ذكرت فاطمة. فقال: مرحباً وأهلاً، فخرج وأخبر الناس بما قال. قالوا: قد أعطاك الأهل

مجاهد گوید: (قال علي عليه السلام): جعت يوماً بالمدينة جوعاً شديداً، فخرجت أطلب العمل في عوالي المدينة، فإذا أنا بامرأة قد جمعت مدرأ، فظننتها تريد بلة، فأتيها فقاطعتها كل ذنوب علي ثمرة فمددت ستة عشر ذنوباً حتى مجلت يداي ثم أتيت الماء فأصبت منه، ثم أتيتها فقلت: يكفي هكذا بين يديها-وبسط الرواي كفيه وجمعهما- فعدت لي ستة عشر ثمرة، فأتيت النبي صلى الله عليه وآله فأخبرته، فأكل معي منها)، (روزی در مدینه سخت گرسنه شدم، برای پیدا کردن کار به محله‌های بالای مدینه رفتم. در آن جا زنی را دیدم که کلوخائی را جمع کرده بود و فکر کردم که می‌خواهد با آن‌ها گل درست کند. نزدیک او رفتم و طی کردم که برای هر دلو آب که از چاه بکشم یک دانه خرما به من بدهد. چون شانزده دلو کشیدم، دستم تاول زد. پس به لب آب رفتم و دستم را شستم، آن گاه به نزد آن زن رفتم و دستم را جلو بردم، او شانزده خرما به من داد. من نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمدم و او را از آن چه گذشته بود آگاه کردم، پیامبر صلى الله عليه وآله با من از آن خرماها خورد).<sup>(۴۶)</sup>

تدبر کن امیر المؤمنین عليه السلام دچار گرسنگی شدیدی گشته و چند روزی را غذا نخورده، همان‌طور که رسول الله صلى الله عليه وآله نمی‌خوردند! چه مقدار طعام به دست آورد؟! شانزده دانه خرما

والمرحب ثم قال له: ما تصدقها؟ قال: ما عندي ما أصدقها. قال: فأين درعك الحطمية؟ فقال: عندي. فقال: أصدقها إياه. فتزوجها فأهديت إليه ومعها حميلة ومرفقة من آدم حشوها ليف وقربة ومنخل وقدح ورحي وجربان. ودخلت عليه وما لها فراش غير جلد كبش يمان عليه بالليل ويعلف عليه الناضخ بالنهار، وكانت هي خادمة نفسها، تالله ما ضرها ذلك)، روایت شده است: (ابو بکر حضرت فاطمه زهرا عليها السلام را از رسول خدا صلى الله عليه وآله خواستگاری کرد، به او فرمود: منتظر امر خدا بر او باش، و آن جریان را برای عمر ذکر کرد گفت: تو را باز گرداند، پس عمر فاطمه عليها السلام را خواستگاری کرد و به او مانند گفته‌اش به ابی بکر گفت، پس گفت: بیا و با هم به نزد علی برویم فاطمه را خواستگاری کند، پس به سوی رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و به او عرض کرد: چه حاجتی داری؟ علی عليه السلام فرمود: فاطمه را می‌خواهم، فرمود: خوش آمدی، خارج شد و مردم را به چیزی که انجام شد خبر کرد، گفتند: همانا به تو خاندانی و ترحب را داد سپس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: صدق به او می‌دهی؟ امام علی عليه السلام فرمود: ندارم صدق به او نمی‌دهم، فرمود: پس زره تو کجا است؟ امام علی عليه السلام فرمود: نزد من است، پس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آن را برای او صدق بده، پس با او ازدواج نمود، سر انجام فاطمه به امام علی عليه السلام داده شد، و همراه او قطیفه و متکا پوستی که بار آن گیاه بود، و یک مشک آب و منخل و آسیاب و دو کوزه بود. بر او وارد شد در حالی که فرشی غیر از پوست گوسفند نداشت، که شب بر آن می‌خوابند، و در روز بر آن غذا می‌خورند، و خودش خدمتکار خویشتن بود، به خدا قسم آن ضرری به او نرساند). شرح أحقاق الحق للسيد المرعشي ج ۲۵ ص ۴۴۸.

که همراه رسول الله ﷺ خوردند!

و روایت شده که قریش ایشان را بینوا صدا می‌کردند و ایشان را به واسطه فقر، مورد شتمات قرار می‌دادند و به ایشان طعنه می‌زدند در حالی که رسول الله ﷺ و علی (علیه السلام) مالک زمین‌ها و مزرعه‌های بسیاری در مدینه بودند اما همه را در راه خدا انفاق می‌کردند و در قبال این انفاق هیچ جزا و پاداش و تشکری نمی‌خواستند، آنان (علیهم السلام) در شیوه‌ی زندگی‌شان از هر جهت به فقیران مشهور بودند و خداوند آنان (علیهم السلام) را با فیض خود غنی و بی‌نیاز ساخته. امیر المؤمنین (علیه السلام) در یک روزهای خویش به دو دانه خرما و دو قرص نان اکتفاء می‌کردند، و قوت ایشان را همین قدر مهیاء می‌کرد، یکی را برای شب و دیگری را برای روز نگه می‌داشت.

سويد بن غفله روایت می‌کند و گوید: (دخلت على علي (عليه السلام) فوجدته جالساً وبين يديه إناء فيه لبن أجد ريح حموضته، في يده رغيف أرى قشار الشعير في وجهه وهو يكسره بيده ويطرحه فيه. فقال: أدن فأصب من طعامنا. فقلت: إني صائم. فقال (عليه السلام): سمعت رسول الله ﷺ يقول: من منعه الصيام من طعام يشتهيهِ كان حقاً عى الله تعالى أن يطعمه من طعام الجنة ويسقيه من شراها. فقال: فقلت لفضة وهي بقرب منه قائمة: ويحك يا فضة ألا تتقين الله في هذا الشيخ ألا تنخلين هذا الطعام من النخالة التي فيه؟ قالت: قدم تقدم إلينا أن لانخل له طعاماً. فقال: ما قلت لها؟ فأخبرته. فقال: بأبي وأمي من لم ينخل له طعام ولم يشبع من خبز البر ثلاثة أيام حتى قبضه الله تعالى. وكان (عليه السلام) يجعل جريش الشعير في وعاء ويختم عليه. فقيل له في ذلك. فقال (عليه السلام): أخاف هذين الولدين أن يجعلا فيه شيئاً من زيت أو سمن،<sup>(۴۷)</sup>

(بر علی (علیه السلام) وارد شدم، دیدم که آن بزرگوار نشسته و ظرف شیری در مقابل خویش بود، که بوی ترشی آن به مشام می‌رسید و گرده‌ی نان سبوس نگرفته در دست او بود، نان را با دست خود می‌شکست و در ظرف شیر می‌انداخت، فرمود: نزدیک بیا و از غذای‌مان بخور. عرض کردم من روزه دارم، حضرت (علیه السلام) فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هر کسی که روزه داری آن را از غذائی که اشتها دارد، منع کند، بر خداوند است که او را غذای بهشتی بخوراند و از آب‌های بهشت او را سیراب نماید، سویده گفت: فضه در آن نزدیکی، ایستاده بود به او گفتم: وای بر تو آیا از خدا نمی‌ترسی درباره این پیرمرد (امام علی



علیه السلام)، چرا نخاله و سبوس این نان را نمی‌گیری؟ فضا گفت: خود مولا امر فرمود، که نخاله‌ی غذائی را نگیریم، آنچه فضا گفت را به عرض آن حضرت رساندم، فرمود: پدر و مادرم به فدای آن کسی که نخاله‌ی نانش را نمی‌گرفت و از آن گندم سه روز شکمش سیر نمی‌شد، تا این که خداوند متعال جانش را گرفت، و چنین بود آن حضرت که نان‌های جو را در ظرفی قرار می‌داد، و سر آن ظرف را می‌بست، از ایشان سؤال شد، چرا سر آن را مهر می‌کنید؟ فرمود: از این دو فرزندم بیم دارم که روغن زیتون را در آن بریزند).

و نیز حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمودند: (... وأكره أن يدخل في جوفي إلا طيب)، (و اگر اه راه دارم چیزی جز (غذای) پاک وارد شکم من نشود).<sup>(۴۸)</sup>

در یکی از روزها حضرت علی (علیه السلام) در باغ خویش مشغول کار بودند گدائی از آن جا می‌گذشت، از حضرت درخواست کمک کرد، حضرت علی (علیه السلام) تکه نانی به او داد، آن مرد رفت وقتی خواست آن نان را بخورد از شدت خشک بودن نمی‌توانست آن را با دندان‌هایش بشکند، به سوی حضرت علی (علیه السلام) بازگشت (تا از خشکی نانش شکایت کند). از دور حضرت علی (علیه السلام) را دید که آن نان خشک را بر زانوی خود می‌زد و تکه تکه کرده و می‌خورد.

حضرت ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (قال أمير المؤمنين (علیه السلام) الفقر أزين للمؤمن من العذار علی حد الفرس)، (امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: فقر برای مؤمن از لگامی که بر گونه‌ی اسب چابک می‌بندند، زیباتر و زیننده‌تر است).<sup>(۴۹)</sup>

## فقر در آخر الزمان

ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (... أما لو كلمت العدة الموصوفة ثلاثمائة وبضعة عشر كان الذي تريدون، ولكن شيعتنا من لا يعدو صوته سمعه، ولا شحناؤه بدنه، ولا يمدح بنا معلناً، ولا يخاصم بنا قالياً، ولا يجالس لنا عائباً، ولا يحدث لنا تالباً، ولا يجب لنا مبغضاً ولا يبغض لنا محباً. فقلت: فكيف أصنع بهذه الشيعة المختلفة الذين يقولون إهم يتشيعون؟ فقال: فيهم التمييز، وفيهم

۴۸. فتح السعادة للشيخ المحمدي ج ۲ ص ۴۵.

۴۹. الكافي ج ۲ ص ۲۶۵ باب فضل فقراء المسلمين.

التمحيص، وفيهم التبديل، يأتي عليهم سنون تفتيهم، وسيف يقتلهم واختلاف بيددهم. إنما شيعتنا من لا يهر هرير الكلب، ولا يطمع طمع الغراب ولا يسأل الناس بكفه وإن مات جوعاً. قلت: جعلت فداك، فأين أطلب هؤلاء الموصوفين بهذه الصفة؟ فقال: اطلبهم في أطراف الأرض أولئك الخفيض عيشهم، المنتقلة دارهم، الذين إن شهدوا لم يعرفوا وإن غابوا لم يفتقدوا وإن مرضوا لم يعادوا، وإن خطبوا لم يزوجوا، وإن ماتوا لم يشهدوا، أولئك الذين في أموالهم يتواسون، وفي قبورهم يتزاورون، ولا تختلف أهواؤهم وإن اختلفت بهم البلدان).

(... هر گاه تعداد سیصد و تعدادی نفر پیرامون حضرت مهدی (علیه السلام) گرد آیند آنچه را که می‌خواهید به وقوع خواهد پیوست اما شیعیان ما کسانی هستند که صدای ایشان از گوش خودشان تجاوز نمی‌کند و بغض و اندوه خود را در خود فرو برده، به دیگران اظهار نمی‌نمایند و به طور علنی ما را در برابر دشمنان مدح ننموده و با بدخواهان و مخالفان ما علناً دشمنی نمی‌ورزند و با عیب جویان ما همنشین و هم صحبت نگشته و دشمن ما را دوست و دوست ما را دشمن نمی‌دارند. عرض کردم: با شیعیانی که چنین مختلف بوده و اظهار تشیع نیز می‌نمایند چه کنم؟ امام فرمود: در میان شیعیان ما امتحانی خواهد بود که سبب جدایی آنها از یکدیگر و تبدیل آنها خواهد شد. سال‌هایی به استقبال آنها خواهد آمد که قحطی و شمشیر دشمنان و اختلاف، آنها را نابود سازد شیعیان ما کسانی هستند که بسان سگ صدا نکرده و مانند کلاغ طمع‌کار نبوده، دست به سمت کسی دراز نمی‌کنند گر چه از گرسنگی بمیرند. عرض کردم فدایت شوم این اشخاص را با این اوصاف کجا پیدا کنم؟ امام فرمود: آنها را باید در گوشه و کنار جهان جستجو نمایی، آنها ساده زندگی می‌کنند و خانه به دوش هستند آنها را در وطن کسی نمی‌شناسد و اگر غائب باشند غیبت آنها را کسی احساس نمی‌کند و چنانچه مریض و بیمار شوند به عیادتشان نمی‌روند، و اگر خواستگاری نمایند به آنها زن نمی‌دهند، و چنانچه بمیرند در تشییع آنها حضور پیدا نمی‌کنند، آنها کسانی هستند که در اموالشان برابری است و در قبرهایشان یکدیگر را زیارت می‌کنند و خواسته‌های آنها عوض نمی‌شود اگر چه شهرهای آنها مختلف باشد).<sup>(۵۰)</sup>

این حدیث را ذکر کردم؛ زیرا در آن صفات و ویژگی‌های پیروان اهل بیت (علیهم السلام) ذکر شده،

و امید است سودمند واقع گردد و برخی احادیث با موضوع مورد نظر ارتباطی ندارند اما ذکر آن‌ها خالی از لطف نیست؛ زیرا کلامشان نوری است که تاریکی‌ها را از قلوب انسان‌ها می‌زداید. آنچه از این حدیث دریافتم این است که آنان هرگز از دیگران درخواست نکرده و دست به سوی کسی دراز نمی‌کنند حتی اگر از گرسنگی بمیرند، آنان موصوف به فقر هستند اما فقر و تنگدستی خود را آشکار و اظهار نمی‌کنند. و فنای جسد را بر خوار کردن روح ترجیح می‌دهند و شخص پرسنده می‌پرسد این‌گونه اشخاص کجا پیدا می‌شوند؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند: «آنان را در اطراف زمین در مناطق مجهول و دور افتاده می‌یابی که زندگی‌شان سراسر ساده، بی‌تکلف و بی‌آلایش است» و امروز کسی که به دنبال رفاه است چه کار می‌کند؟! آیا منبعی از حلال می‌یابد که به سهولت انجام شود و به دست آید؟! پاسخ واضح است، خیر هرگز؛ همان‌طور که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (أقل ما يكون في آخر الزمان أخ يوثق به أو درهم من حلال)، (کمترین چیزی که در آخر الزمان پیدا می‌شود برادری مورد اعتماد و درهمی پول حلال است).<sup>(۵۱)</sup>

و هر کس خواهان زندگی با رضایت الهی و امام خود باشد و از حرام پرهیز کند نمی‌تواند زندگی راحتی داشته باشد و هرگز بی‌نیاز نمی‌شود جز به مقدار اندک همان‌طور که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (ما رأيت نعمة موفورة إلا وإلى جانبها حق مضيع)، (نعمت و مال بسیار و پر وفوری ندیدم جز این که در جانب دیگرش، حقی ضایع و پایمال گشته).<sup>(۵۲)</sup>

و نیز فرمودند: (إن الله سبحانه فرض في أموال الأغنياء أقوات الفقراء فما جاع فقير إلا بما متع به غني)، (همانا خداوند در اموال ثروتمندان روزی و طعام فقیران را قرار داده، پس فقیری گرسنه نمی‌شود، مگر این که ثروتمندی حق او را خورده باشد).<sup>(۵۳)</sup>

و فقیرانِ آخر الزمان همان پابیندان به شریعت آل محمد (علیه السلام) هستند؛ زیرا اگر در شمار ثروتمندان قرار گیرند، از تمام جوانب، به شکل دقیق آشکار می‌شود که آنان غیر پابیند به شریعت هستند. چه کسی از اولیای خدا اضافه بر نیاز خود، ثروت نگه می‌دارد و لو حلال باشد، در حالی که گرسنگان و برهنگان و آوارگان بسیاری را در اطراف خود می‌بیند؟!

۵۱. بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۵۷.

۵۲. دراسات في نهج البلاغة ل محمد مهدي شمس الدين ص ۴۰.

۵۳. همان.

از رسول الله ﷺ روایت شده: روزی سفانه دختر حاتم طائی در حالی که اسیر بود نزد رسول الله ﷺ آمد و از ایشان خواست که او قومش را آزاد کند، رسول الله ﷺ او و قومش را آزاد کرد و از آنان پذیرائی کرد، سپس فرمودند: **(به سه کس رحم کنید که رحم کردن به آنان حق است: عزیزی که بعد از عزتتش، خوار شود. ثروتمندی که بعد از ثروتش، فقیر گردد و عالمی که در میان جاهلان تباه می شود).**<sup>(۵۴)</sup>

زیرا دختر حاتم طائی گمان نمی کرد کسی بخشنده تر از پدرش نیز هست. به رسول الله ﷺ عرض کرد: **«این عطاء و بخشش کسی است که از فقر هراسی ندارد»** فرمودند: **«پروردگارم این چنین به من آموخت».**

کسی که این چنین می بخشد و یا می خواهد شبیه رسول الله ﷺ شود باید تمام دارائی اندک و بسیار خود را عطاء کند، آیا می توان صاحب اموال بسیار و مخزون را در شمار شیعیان حقیقی قرار داد؟!

از ابا عبد الله (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: **(لو لا إلحاح هذه الشيعة على الله في طلب الرزق لنقلهم من الحال التي هم فيها الى ما هو أضيّق منها)، (اگر این همه پافشاری شیعیان بر خداوند، در طلب رزق و روزی نبود، خداوند از همان حالی که در آن بودند عرصه را بیشتر بر آنان تنگ تر می ساخت).**<sup>(۵۵)</sup>

آیا خزانه های بخشنده ترین بخشنندگان با بی نیاز ساختن بندگان مؤمن تمام می شد؟! پس چرا خداوند تبارک و تعالی عرصه ی فقر را بر آنان تنگ تر می ساخت؟! زیرا خود فقر نیز کرم و عطائی خاص از سوی پروردگار است که آن را به بندگان که دوست می دارد اختصاص می دهد و من (پناه می برم به خداوند از منیت و غرور) می گویم: ثروتمندان از خداوند بخواهند از آن نعمت و روزی که به بندگان مخصوص خویش عطاء کرده، به آنان نیز عطاء کند حتی اگر فقر باشد و فقیران از خداوند بخواهند که توفیق سپاس گزاری در برابر این نعمت عظیم را روزی آنان قرار دهد.

۵۴. شجرة طوبی للشيخ محمد مهدي الحائري ج ۲ ص ۴۰۰.

۵۵. الکافي ج ۲ ص ۲۶۱ باب فضل فقراء المسلمين.

ابا عبد الله (عليه السلام) فرمودند: (إن الله عز وجل يلتفت يوم القيامة الى فقراء المؤمنين تسبيحاً بالمتعذر اليهم فيقول وعزتي وجلالي ما أفقرتكم في الدنيا من هوان بكم علي وترون ما أصنع بكم اليوم، فمن زود أحدكم منكم في دار الدنيا معروفاً فخذوا بيده فأدخلوه الجنة. قال: فيقول رجل منهم يا رب إن أهل الدنيا تنافسوا في دنياهم فكحوا النساء ولبسوا الثياب اللينة وأكلوا الطعام وسكنوا الدور وركبوا المشهور من الدواب فأعطني مثل ما أعطيتهم فيقول تبارك وتعالى: لك ولكل عبد منكم مثل أعطيت أهل الدنيا منذ كانت الدنيا على أن أنقضت الدنيا سبعون ضعفاً)، (خداوند در روز قیامت با پوزش طلبی از فقیران به آنان نظر می‌افکند و می‌فرماید: به جلال و عزتم سوگند، من در دنیا شما را فقیر نساختم تا به من توجه و التفات کنید بلکه شما را برای این روز عظیم انتخاب کردم و شما می‌توانید دست هر کس که در دنیا به شما خوبی کرده را بگیرید و با خود به بهشت ببرید. یکی از آنان می‌گوید: پروردگارا اهل دنیا در دنیایشان لذت بردند (آسوده زندگی کردند) زنان را به نکاح خود در آوردند و لباس‌های نرم و دیا پوشیده و غذاهای گوناگون خورده و شراب‌ها نوشیده‌اند و در خانه‌های مجلل زندگی کردند و سوار بر مرکب‌های مختلف شدند پس به ما بدهید هر آنچه که به آنان داده بودید؟ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: برای تو و هر بنده‌ای مثل تو هفتاد برابر آنچه که به اهل دنیا دادم به شما می‌دهم).<sup>(۵۶)</sup>

امام زین العابدین (عليه السلام) در دعای خویش می‌فرماید: (اللهم حبب إلي صحبة الفقراء وأعني على صحبتهم بحسن الصبر وما زويت عني من متاع الدنيا الفانية فاذخره لي في خزائلك الباقية وأجعل ما حولتي من حطامها وعجلت لي من متاعها بلغة إلى جوارك ووصلة إلى قربك وذريعة إلى جنتك إنك ذو الفضل العظيم وأنت الجواد الكريم)، (خداوندا هم‌نشینی با فقیران را نزد من عزیز بدار و مرا در صحبت و هم‌نشینی نیکو با آنان یاری ده و هرچه از متاع دنیای فانی برایم قرار داده‌ای را در خزانه‌ی باقی خودت برایم ذخیره کن...)<sup>(۵۷)</sup>

## انصار امام مهدی (عليه السلام) و فقر

۵۶. همان.

۵۷. الصحیفة السجادية الكاملة ص ۱۵۵، من دعاء (عليه السلام) في المعونة على قضاء الدين.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾، (خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند).<sup>(۵۸)</sup> ابی بصیر گوید: ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (این آیه در شأن قائم (علیه السلام) و اصحاب ایشان نازل شده است).

﴿وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾، (و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند). پس آن بیمناک کیست؟ اگر انصار دارای اموال و ثروت بودند، امنیت و رفاه را بوسیله‌ی این اسباب فراهم می‌ساختند، بسیاری از طغیان‌گران یا تمام طاغوت دشمنانی دارند اما این طغیان‌گران با اموالشان برای خود لشکر می‌سازند و تمام امنیت را برای خود فراهم می‌کنند و اگر امر خداوند در یک لحظه فرا رسد هیچ چیز بر حالشان سودی نخواهد داشت، اما آنان به واسطه‌ی تمکینشان امنیت را برای خود فراهم می‌کنند، اما مردم فقیر هنگامی که چیزی می‌خواهند به سهولت به دست نمی‌آورند و سیره‌ی انصار امام مهدی (علیه السلام) همانند سیره‌ی اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله) است، در راه خدا چه گرسنگی‌ها و چه ظلم‌هایی را متحمل که نشده‌اند! و کسی که در راه دعوت الهی گام بر می‌دارد، برای به دست آوردن دنیا و مال نیامده و اگر بر این فرض می‌آمد تمام مردم وارد دعوت می‌شدند.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَوُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾، (و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست‌شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم).<sup>(۵۹)</sup>

و امیر المؤمنین (علیه السلام) در وصف اصحاب قائم (علیه السلام) و نیز شرایط آن‌ها فرمودند: (...)

۵۸. النور: ۵۵ / کتاب الغیبة النعمانی ب ۱۳ ص ۲۴۷.

۵۹. القصص: ۵.

ویلبسون الخشن من الثياب ویوسدون التراب على الحدود ویأكلون الشعیر ویرضون بالقلیل ویجاهدون فی الله حق جهاده...)، (لباس زبر به جای لباس نرم به تن می‌کنند، گونه بر خاک می‌سایند (بر خاک می‌خوابند) و خوراکشان جو است و به اندک قانع و راضی می‌باشند و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است جهاد می‌کنند).<sup>(۶۰)</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: (کأني أنظر إلى القائم (علیه السلام) وأصحابه فی نجف الکوفة كأنه علی رؤوسهم الطیر قد فنیت أزوادهم وخلقتم ثیابهم...)، (قائم و اصحابش را در نجف می‌بینم که گویا بر سر آنان پرندگانی هستند که غذایشان را می‌ربایند و لباسشان را خلع کرده‌اند).<sup>(۶۱)</sup>

ابا عبد الله (علیه السلام) در وصف شیعیان حقیقی فرمودند: (... أولئك الخفیض عیشهم، المتقله دارهم، إن شهدوا لم یعرفوا، وإن غابوا لم یعرفوا...)، (... آن‌ها ساده زندگی می‌کنند و خانه به دوش هستند آن‌ها را در وطن کسی نمی‌شناسد و اگر غائب باشند غیبت آن‌ها را کسی احساس نمی‌کند).<sup>(۶۲)</sup>

شما از زندگی ساده چه می‌دانی آیا آن همان خوردن اندک و ساده‌زیستی نیست؟! برای مؤمنین فقیر آن‌چه مورد اهمیت است، این است که با صفات انصار امام مهدی (علیه السلام) توصیف شوند آیا انصار امام مهدی (علیه السلام) از برگزیدگان شیعه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) نیستند؟! امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (لیس لمصاص شیعتنا فی دولة الباطل إلا القوت، شرقوا إن شئتم أو غربوا لن ترزقوا إلا القوت)، (برای خاصان شیعه‌ی ما در دولت باطل چیزی جز غذای اندک نیست حتی اگر در طلب آن به سوی مشرق یا مغرب بروید).<sup>(۶۳)</sup>

و "المصاص" یعنی مخلصان شیعه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) یعنی ذخیره خالصان شیعه در دولت باطل فقط غذایی است که نه گرسنه می‌کند و نه فربه می‌سازد. پس امروز آنان چه کسانی هستند؟! حدیث را بگیرید و مطابقت دهید؟ آیا بر اهل علم و ویلا نشینان و ثروتمندان بالا شهر مطابقت می‌کند؟!

۶۰. الملاحم و الفتن لابن طاووس ب ۷۹ ص ۲۹۵.

۶۱. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۸۶.

۶۲. الکافی ج ۲ ص ۲۳۹-۲۳۸ باب المؤمن وعلاماته وصفاته.

۶۳. الکافی ج ۲ ص ۲۶۱ باب فضل فقراء المسلمین.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (... فَإِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَمْ يَزَالُوا مُسْتَضْعَفِينَ قَلِيلِينَ مِنْذَ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ (علیه السلام)، همانا اولیای الهی از زمان خلقت آدم (علیه السلام) همواره مستضعف و عده‌ی اندکی می‌باشند).<sup>(۶۴)</sup> خداوند در سوره‌ی واقعه می‌فرماید: ﴿وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ \* فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ \* وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ \* لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ \* إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ﴾، (و یاران چپ کدامند یاران چپ \* در [میان] باد گرم و آب داغ \* و سایه‌ای از دود تار \* نه خنک و نه خوش \* اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند).

حال و مسیر و بازگشت ناز پروردگان، به سوی جهنم و آتش است. پس خوشا به حال فقیرانی که با ولایت آل محمد (علیهم السلام) که امروز در بیعت با وصی و فرستاده‌ی امام مهدی، سید احمد الحسن (علیه السلام) شکل گرفته، بی‌نیاز گشته‌اند.

رسول الله ﷺ فرمودند: (أَلَا أُخْبِرُكُمْ عَنْ مَلُوكِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ كُلُّ ضَعِيفٍ مُسْتَضْعَفٍ)، (می‌خواهید شما را از مالکان اهل بهشت با خبر سازم؟ هر ضعیف مستضعف بر زمین پادشاهان بهشت است).<sup>(۶۵)</sup>

و نیز فرمودند: (أَبْغَوِي فِي الضَّعْفَاءِ فَإِنَّمَا تَرُزِقُونَ وَتَنْصَرُونَ بضعفائکم)، (ضعیفان خویش را محترم و گرامی دارید؛ زیرا که شما به وسیله‌ی (اکرامتان به) ایشان روزی داده می‌شوید و نصرت و یاری خواهید شد).<sup>(۶۶)</sup>

و نیز فرمودند: (إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بضعفائها بدعواتهم وصلاتهم وإخلاصهم)، (خداوند این امت را به واسطه ناتوانانش و دعای ایشان و نماز و اخلاصشان یاری می‌نماید).<sup>(۶۷)</sup>

و رسول الله ﷺ همواره به همراه این عده اندک و فقیر مسلمانان به فتوحات دست می‌یافتند این کلام و احادیث را بگیرید و با این آیه تطبیق دهید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾، (و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم). و سپس بر صفات انصار امام مهدی (علیه السلام) منطبق کنید.

۶۴. الاحسان باب خصائص المؤمن ص ۱۵۸.

۶۵. میزان الحکمة ل محمد الرشیدی ج ۲ ص ۱۷۰۴.

۶۶. کنز العمال ج ۳ ص ۱۷۲ ح ۶۰۱۹.

۶۷. کنز العمال ج ۳ ص ۱۷۲ ح ۶۰۱۷.



مولای متقیان، امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ای، متقین را توصیف می‌کند و می‌فرماید: (...)  
 فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ، مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَمَشِيئُهُمُ التَّوَاضُعُ غَضُّوا  
 أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ، نُزِلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي  
 الْبَلَاءِ كَالَّتِي نُزِلَتْ فِي الرَّخَاءِ وَلَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ  
 طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ، وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ  
 فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ قُلُوبُهُمْ  
 مَحْزُونَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ، وَأَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ، وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ (...).

(پس پرهیزگاران را در این جهان فضیلت‌هاست، گفتارشان به صواب مقرون و راه و رسمشان بر اعتدال و رفتارشان با فروتنی آمیخته است، از هر چه خداوند بر آنها حرام کرده است، چشم می‌پوشند و گوش بر دانستن چیزی نهاده‌اند که آنان را سودی رساند. آن‌چنان به بلا خو گرفته‌اند که گویی در آسودگی هستند، اگر مدت عمری نبود که خداوند برایشان مقرر داشته، به سبب شوقی که به پاداش نیک و بیمی که از عذاب روز بازپسین دارند، چشم بر هم زدنی جان‌هایشان در بدن‌هایشان قرار نمی‌گرفت. تنها آفریدگار در نظرشان بزرگ است و جز او هر چه هست در دیدگان‌شان خرد می‌نماید. با بهشت چنان‌اند که گویی می‌بینندش و غرق نعمت‌هایش هستند. و با دوزخ چنان‌اند که گویی می‌بینندش و به عذاب آن گرفتارند دل‌هایشان اندوهگین است و مردم از آسیب‌شان در امان‌اند و بدن‌هایشان لاغر است و نیازهایشان اندک است و جان‌شان به زیور عفت آراسته است).<sup>(۶۸)</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: (وَاعْلَمَ يَا جَابِرُ! أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى هُمْ الْأَغْنِيَاءُ أَغْنَاهُمْ الْقَلِيلُ مِنَ الدُّنْيَا  
 فَمَثُورَتُهُمْ يَسِيرَةٌ إِنَّ نَسِيتَ الْخَيْرَ ذَكَرُوكَ وَإِنْ عَمِلْتَ بِهِ أَعَانُوكَ أَخْرَوْا شَهَوَاتِهِمْ وَلَدَاتِهِمْ خَلْفَهُمْ  
 وَقَدَّمُوا طَاعَةَ رَبِّهِمْ أَمَامَهُمْ وَنَظَرُوا إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ وَإِلَى وَلَايَةِ أَحِبَّاءِ اللَّهِ فَأَحْبَبُوهُمْ وَتَوَلَّوْهُمْ  
 وَاتَّبَعُوهُمْ)،<sup>(۶۹)</sup> (و بدان ای جابر! به راستی که اهل تقوا همانا آن‌هایی هستند که بی‌نیازند،  
 اندکی از دنیا، آن‌ها را بی‌نیاز کرده و خرج آن‌ها کم است. اگر خیر را فراموش کنی، به  
 یادت آورند، و اگر بدان عمل کنی، تو را یاری دهند. شهوت و لذت خود را پشت سر

۶۸. فتح البلاغة ج ۲ ص ۱۶۱-۱۶۰.

۶۹. بحار الأنوار ج ۷ ص ۱۶۶-۱۶۵.

انداخته و طاعت پروردگار خویش را جلوی روی نهاده‌اند و به راه خیر و به ولایت دوستان خدا چشم دوخته‌اند. و آنان را دوست دارند و بدان‌ها گرویده و از آن‌ها پیروی کرده‌اند.<sup>(۷۰)</sup>

### قناعت پیشگی

عمرو بن سعید بن هلال گوید: امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: (يَاكَ أَنْ تُطْمِحَ بَصْرَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ فَكَفَى بِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ ﷺ فَلَا تُعْجِبُكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ وَقَالَ ﴿وَلَا تَمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ﴾ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنْ دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَادْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّمَا كَانَ قُوَّةُ الشَّعِيرِ وَحَلْوَاهُ التَّمْرَ وَوَقُودُهُ السَّعْفَ إِذَا وَجَدَهُ، (مبادا به بالا دست خود چشم بدوزی که در این باره آن‌چه خدای عز و جل به پیغمبرش ﷺ فرمود بس است: (از مال‌ها و فرزندان‌شان خوشت نیاید و در شگفت نشوی)، و فرمود: (دیدگان خویش را به آن چیزها که رونق زندگی دنیاست و به گروهی از ایشان بهره داده‌ایم نگران مساز)، و اگر درباره این موضوع شک و تردیدی یافتی، زندگی رسول خدا ﷺ را به یاد آور که خوراکش جو و حلواش خرما و آتش گیره‌اش شاخ درخت خرما بود اگر پیدا می‌کرد).<sup>(۷۱)</sup>

فرموده‌ی امام (علیه السلام): (بر حذر باش از این‌که چشمانت را به مال دیگری بدوزی). - بر حسب آن‌چه دریافتم- نباید به مال و مقام دنیوی بالا دست خود چشم دوخت. اما اگر در راه کسب درجات کمال و تقرب به خداوند باشد، باید بدان توجه کرد؛ زیرا به آن امر شده‌ایم و خداوند می‌فرماید: ﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَفَّسِ الْمُتَنَفِّسُونَ﴾، (و در این، مشتاقان باید بر یک‌دیگر پیشی گیرند) در اطاعت از حجتی که خداوند بر شما واجب کرده است.

ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: رسول الله ﷺ می‌فرماید: (مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَمَنْ اسْتَعْنَى أَعْطَاهُ اللَّهُ)، (هر که از ما سؤال کند به او عطاء کنیم و هر که بی‌نیازی جوید و سؤال نکند خدا او را بی‌نیاز سازد).<sup>(۷۲)</sup>

۷۰. و برخی روایات دیگر در مدح فقر و اهل آن را اضافه می‌کنم.

۷۱. الکافی ج ۸ ص ۱۶۸ ح ۱۸۹.

۷۲. الکافی ج ۲ ص ۱۳۸، باب القنائة.

بر حسب آنچه که از حدیث رسول الله ﷺ دریافتیم این است که هر کس از من طلب کند به او می‌دهم و هر کس عزت نفس داشته باشد و از خداوند بخواهد و از من درخواست نکند خداوند به او عطاء می‌کند و بی‌نیاز می‌سازد، خداوند همانند آنچه که من به او عطاء کردم، عطاء نمی‌کند بلکه عطائی می‌بخشد که بعد از آن، نیازمند نمی‌شود. یعنی زمینه‌ای برای او فراهم می‌کند که بتواند ما یحتاج زندگی خود را از آن تأمین کند و دیگر نیازی به کمک نداشته باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ)، (هر که به معاش اندک خدا راضی گردد، خدا هم به عمل اندک او راضی شود).<sup>(۷۳)</sup> و نیز فرمودند: (مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ ابْنُ آدَمَ كُنْ كَيْفَ شِئْتَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبَلَ اللَّهُ مِنْهُ الْيَسِيرَ مِنَ الْعَمَلِ وَمَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَثْوَتُهُ وَزَكَتْ مَكْسَبَتُهُ وَخَرَجَ مِنْ حَدِّ الْفُجُورِ)، (در تورات نوشته است: آدمیزاد! هرگونه خواهی بوده باش که چنان‌که باشی جزا ببینی، هر که به روزی اندک خدا راضی شود، خدا عمل اندک او را بپذیرد، هر که به حلال اندک خشنود باشد هزینه‌اش سبک شود و کسبش پاکیزه گردد و از مرز بدکاری بیرون رود).<sup>(۷۴)</sup>

و نیز از ایشان (علیهم السلام) روایت شده که در مورد فرموده‌ی پروردگار: (پس او را حیات پاک می‌بخشیم) فرمودند: قناعت به آنچه که روزی او گشته).<sup>(۷۵)</sup>

و امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: (مَنْ لَمْ يَقْنَعْهُ مِنَ الرِّزْقِ إِلَّا الْكَثِيرُ لَمْ يَكْفِهِ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا الْكَثِيرُ وَمَنْ كَفَاهُ مِنَ الرِّزْقِ الْقَلِيلُ فَإِنَّهُ يَكْفِيهِ مِنَ الْعَمَلِ الْقَلِيلُ)، (کسی که جز به روزی زیاد قناعت نکند، جز عمل بسیار بسش نباشد و هر که روزی اندک کفایتش کند، عمل اندک هم کافی‌اش باشد).<sup>(۷۶)</sup>

۷۳. همان.

۷۴. همان.

۷۵. تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۹۰.

۷۶. الکافی ج ۲ ص ۱۳۸، باب القناعة.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (بالقناعة يكون العز)، (عزت، در قناعت پیشه کردن است).<sup>(۷۷)</sup>

و ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرمودند: (ابن آدم إن كنت تُريدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ وَ إِنْ كُنْتَ إِثْمًا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ)، (ای آدمیزاد! اگر از دنیا بقدر کفایت خواهی اندک و سبک تر چیز دنیا کفایتت کند، و اگر بقدر کفایت نخواهی (و راضی نباشی) هر چه در دنیاست کفایت نباشد. (زیرا، هر که بامش بیش برفش بیشتر، و هر که مالش بیش حرصش بیشتر).<sup>(۷۸)</sup>

و امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (انتقم من حرصك بالقنوع كما تنتقم من عدوك بالقصاص)، (در مورد قناعت حریص باش همان گونه که در انتقام از دشمنت حرص می ورزی).<sup>(۷۹)</sup>

و ابی جعفر (علیه السلام) فرمودند: (قال رسول الله ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِ غَيْرِهِ)، (هر که خواهد بی نیازترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خداست اعتمادش بیشتر از آنچه در دست دیگران است بوده باشد).<sup>(۸۰)</sup>

و امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (من كان يبسیر الدنيا لا يقنع لم يغنه من كثيرها ما يجمع)، (کسی که به اندک روزی دنیا قانع نباشد، هرگز با بسیار آن که جمع کند، قانع نمی شود).<sup>(۸۱)</sup>

و همچنین از ائمه (علیهم السلام) روایت شده که فرمودند: (مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ)، (هر که به آنچه خدا روزی اش کند قانع باشد، بی نیازترین مردم است).<sup>(۸۲)</sup>

امام علی (علیه السلام) فرمودند: (ثمرة القناعة، الإجمال في المكسب والعزوف عن الطلب)، (ثمره

۷۷. میزان الحکمة ل محمد الریشهری ج ۳ ص ۲۶۳۸.

۷۸. الکافی ج ۲ ص ۱۳۸ باب القناعة.

۷۹. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۱۲ ص ۶۲ باب کراهة الحرص علی الدنيا.

۸۰. الکافی ج ۲ ص ۱۳۸ باب القناعة.

۸۱. میزان الحکمة ل محمد الریشهری ج ۳ ص ۲۶۳۹.

۸۲. الکافی ج ۲ ص ۱۳۸ باب القناعة.

قناعت، اعتدال در کسب و کار، و ناخوش داشتن درخواست است).<sup>(۸۳)</sup>

و امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: (رأيت الخير كله قد أجمع في قطع الطمع عما في أيدي الناس...)، (همه خوبی‌ها را در بریدن طمع از آن‌چه در دست مردم است دیدم).<sup>(۸۴)</sup>

و امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بَلْعَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعْهِ)، (هر که به اندازه‌ی کفاف (زندگی‌اش) بسنده کند، آسایش می‌یابد و در منزلگاه آسودگی فرود می‌آید).<sup>(۸۵)</sup>

و نیز فرمودند: (لا تكن ممن يرجو الآخرة بغير العمل... يقول في الدنيا بقول الزاهدين ويعمل فيها بعمل الراغبين إن أعطي منها لم يشبع وإن منع منها لم يقنع...)، (مباش از کسانی که بدون عمل و کردار امید به آخرت دارند (و مقام‌های آن سرا را تمنا می‌کنند)، و به واسطه آرزوهای طول و دراز توبه کردن را تأخیر می‌اندازند. گفتارش در دنیا گفتار زاهدان است (ولی) رفتارش رفتار دنیا خواهان می‌باشد، اگر از (مال و منال) دنیا به او داده شود سیر نمی‌گردد، و اگر به او نرسد قناعت نمی‌کند).<sup>(۸۶)</sup>

و نیز فرمودند: (أهلم نفسك القنوع)، (قناعت را به نفس خود بیاموز).<sup>(۸۷)</sup>

و امام حسن (علیه السلام) فرمودند: (اعلم أن مروة القناعة والرضا أكثر من مروة الإعطاء)، (بدان که جوایز در مورد قناعت و خشنودی، بیش‌تر از جوایز در مورد بخشش است).<sup>(۸۸)</sup>

و امام حسین (علیه السلام) فرمودند: (القنوع راحة الأبدان)، (قناعت سبب آسودگی جسم‌ها است).<sup>(۸۹)</sup>

۸۳. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۳ ص ۲۶۳۸.

۸۴. الکافی ج ۲ ص ۴ باب الاستغناء عن الناس.

۸۵. نهج البلاغة ج ۴ ح ۳۷۱ ص ۸۷.

۸۶. نهج البلاغة ج ۴ ح ۱۵۰ ص ۳۸.

۸۷. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۳ ص ۲۶۳۶.

۸۸. همان.

۸۹. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۳ ص ۲۶۳۸.

و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (من قنع بما رزقه الله فهو من أغنى الناس)، (هر کس به آنچه که خداوند روزی او قرار داده، قانع شود، همانا او بی نیازترین مردم است).<sup>(۹۰)</sup>

نیز فرمودند: (... انظرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ)، (به کسانی که پائین تر از تو هستند و توانائی آنها از شما کمتر می باشد توجه کنید و به بالاتر از خود هرگز توجه نداشته باشید، اگر چنان کنی به آنچه در دست داری قناعت خواهی کرد. در این صورت شایستگی زیادت از سوی خداوند، پیدا خواهی کرد).<sup>(۹۱)</sup>

## فنای دنیا و سبکی آن

از فرموده های گهر بار امیر المؤمنین (علیه السلام): (أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا أَدْبَرَتْ وَأَذَتْ بِوَدَاعٍ...)، (همانا دنیا روی گردانیده، و وداع خویش را اعلام داشته است).<sup>(۹۲)</sup>

در نهج البلاغه به این معنی است که دنیا به طور طبیعی همواره در حال تغییر و دگرگونی است و شخص عاقل در یک نگاه به زوال و فناپذیری آن پی می برد و بعد از دنیا چیزی جز آخرت نیست پس اگر دنیا غروب کرد، طلوعی که در پیش است بی شک آخرت است همانا آخرت با طلوع خود فرا رسیده است، یعنی ناگهانی به سویمان آمده؛ آگاه باشید که، مضمار [میدان] امروز است مقصود از مضمار موضع و مکانی است که در آن برای مسابقه، خط کشی صورت می گیرد و برنده ی فردا به بهشت می رسد یعنی هنگامی که انسان پیروز می شود، بهشت جایزه ی اوست و آتش برای کسی است که قبل از گذشت وقت از گناه خود توبه نکرده آگاه باشد و برای نفس خود قبل از روز بینوائی عملی انجام دهد، یعنی قبل از این که زمان حاجت و نیاز به اعمال نیک و فقدان عمل نیک فرا رسد عمل نیکی انجام دهید؛ زیرا آن روز جزاست نه روز عمل. آگاه باشید شما در روزهای آرزومندی هستید یعنی

۹۰. الکافی ج ۲ ص ۱۳۹ باب القناعة.

۹۱. علل الشرائع ج ۲ ص ۵۶۰-۵۵۹ ب ۳۵۱.

۹۲. نهج البلاغه ج ۱ ح ۲۸ ص ۷۰.

آرزومندی برای بقاء در دنیا و استمرار یافتن در آن، بعد از آن اجل می‌باشد، پس در روزهای آرزومندی خود و قبل از فرا رسیدن اجلش عملی نیک انجام دهد، آن عمل به سود اوست و اجل به او ضرری نمی‌رساند و هر کس که در روزهای آرزومندی خود کوتاه کرده و اجلش فرا می‌رسد، فرصت عمل خود را از دست داده و اجلش به او ضرر می‌رساند. آگاه باشید که با میل و رغبت عمل کنید همان‌طور که در ترس و خوف عمل می‌کنید یعنی در هنگام شدت‌ها و فراخ برای خداوند عمل کنید همان‌طور که آشکارا برای او عمل می‌کنید و نعمت و راحتی شما را از خوف و خشیت الهی منع نکند. سپس فرمودند: (... ألا وأني لم أرى كالجنة نام طالبها ولا كالنار نام هارها ألا وإنه من لا ينفعه الحق ينصره الباطل...)، (ندیدم هرگز متاع و جایگاهی چون بهشت که خواهند گانش در خواب باشند و جایگاه وحشتناکی چون دوزخ که گریزانش در خواب باشد، و کسی که حق به او سودی نرساند، باطل کمکش می‌کند).<sup>(۹۳)</sup> یعنی تمام سود صحیح در حق است و اگر کسی بگوید که حق سودی ندارد، باطل بیش از پیش به او ضرر می‌رساند. (و هر کس متوجه و ملتفت هدایت نگردد، ضلالت او را نابود می‌کند): یعنی هر کس به راه حق و هدایتی که او را به حق می‌رساند، ملحق نشود و یا هرگز در آن گام بر ندارد ضلالت و هلاکت او را از بین می‌برد. (آگاه باشید که شما به رخت بر بستن امر شدید): یعنی کوچ و سفر از دنیا، و به یک امر تکوینی مأمور شده‌ایم و خواه یا نخواه باید طبق سنت آن را بپذیریم همان‌گونه که خداوند ما را آفرید تا از زندگانی دنیائی جدا شده و به آخرت که همان جایگاه ابدیت است، مستقر شویم.

و ایشان (علیه السلام) فرمودند: (وَدُلِّتُمْ عَلَى الزَّادِ)، (و به توشه هدایت شدید). و توشه‌ای که خداوند ما را به آن راهنمایی کرده، همان عمل نیک و ترک حرام‌ها می‌باشد. (وَأَنْ أَخُوفَ مَا أَخَافَ عَلَيْكُمْ أَتْبَاعَ الْهُوَى وَطُولَ الْأَمَلِ تَزُودُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ أَنْفُسَكُمْ بِهْ غَدَاً)، (و آنچه که از آن بر شما بیم دارم پیروی از هوی و هوس و آرزوهای دراز شما در حُب دنیا است و این که نسبت به آنچه حافظ جان شما در فردایتان بوده، حرص نرزد)، بر جانتان حرص ورزید

یعنی چیزی که حافظ و نگهبان جانتان باشد<sup>(۹۴)</sup> و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾، (و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست).<sup>(۹۵)</sup> و می فرماید: ﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾، (بگو برخورداری [از این] دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است و [در آن جا] به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت).<sup>(۹۶)</sup> و می فرماید: ﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾، (همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم).<sup>(۹۷)</sup> و می فرماید: ﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ \* وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾،<sup>(۹۸)</sup> (پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می شد واقعاً او بهره بزرگی [از ثروت] دارد \* و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند گفتند وای بر شما برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است و جز شکیبایان آن را نیابند).<sup>(۹۹)</sup>

رسول الله ﷺ فرمودند: (الدنيا ملعونة ملعون ما فيها إلا ما ابتغي به وجه الله)، (دنیا، ملعون است و هر آنچه که در آن است نیز ملعون است جز این که برای تقرب الهی باشد).<sup>(۱۰۰)</sup>

۹۴. ظاهراً تمام یا اغلب شرح، برگرفته یا مستفاد از کلام شارح محمد عبده است و مؤلف در آغاز این موضوع نیز بدان اشاره کرده است.

۹۵. آل عمران: ۱۸۵

۹۶. النساء: ۷۷.

۹۷. الأعراف: ۵۱.

۹۸. القصص: ۷۹.

۹۹. القصص: ۸۰.

۱۰۰. مکارم الأخلاق للطبرسي ص ۴۶۲ في موعظة الرسول الله ﷺ لأبي ذر (عليه السلام).



و نیز ﷺ فرمودند: (مَا لِي وَلِلدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالِدُهَا إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ رَاكِبٍ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ<sup>(۱۰۱)</sup> تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَ كَهَا)،<sup>(۱۰۲)</sup> (من با دنیا چه کار دارم، مثل من و دنیا مانند آن درختی است که در بیابانی واقع شده و یک سواری از آنجا عبور می‌کند و چند لحظه در سایه آن استراحت می‌کند و بعد هم می‌رود).

و نیز ﷺ فرمودند: (يا علي ما أحد من الأولين والآخرين إلا وهو يتمنى يوم القيامة أنه لم يعط من الدنيا إلا قوتاً)، (ای علی هیچ کس از اولین و آخرین نیست مگر این که آرزو می‌کند روز قیامت کاش از دنیا به اندازه خوردنم بیشتر به من نمی‌دادند).<sup>(۱۰۳)</sup>

و نیز فرمودند: (من عظم صاحب دنیا وأحبه لطمع دنياه سخط الله عليه و كان في درجته مع قارون في التابوت الأسفل من النار...)، (اگر کسی صاحب دنیا را بزرگ بشمرد و از روی طمع، او را دوست بدارد، مستوجب غضب خداوند خواهد بود و مرتبه‌ی او، همراه قارون در تابوتی پست‌تر از آتش می‌باشد).<sup>(۱۰۴)</sup>

و امام علی (علیه السلام) فرمودند: (لو عقل أهل الدنيا لحربت الدنيا)، (اگر مردم دانایی و فهم داشتند و دریافت می‌کردند دنیا خراب و ویران می‌شد).<sup>(۱۰۵)</sup>

و نیز فرمودند: (الدنيا سوق الخسران)، (دنیا، بازار ورشکستگان است).<sup>(۱۰۶)</sup>  
(... إنما سميت الدنيا لأنها أدنى من كل شيء...)، (... دنیا، دنیا نامیده شد؛ زیرا آن پست‌تر از همه چیز است).<sup>(۱۰۷)</sup>

(... وأخرجوا من الدنيا قلوبكم قبل أن تخرج منها أبدانكم فلاخرة خلقتهم وفي الدنيا

---

۱۰۱. (قال) از مصدر قیلوله و آن خواب سبک و به زبان عامه همان چُرت زدن است.

۱۰۲. جامع أحاديث الشيعة للبروجردي ج ۱۴ ص ۳۲ ح ۱۹۵۵.

۱۰۳. من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۶۳ باب النوادر.

۱۰۴. وسائل الشيعة (آل البيت) ج ۱۷ ح ۲۲۳۰۲ ص ۱۸۱.

۱۰۵. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۲ ص ۲۹۹.

۱۰۶. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۲ ص ۸۹۵.

۱۰۷. علل الشرائع ج ۱ ح ۱ ب ۱ ص ۱-۲.

حیستم)، (دل‌هایتان را از دنیا خارج کنید قبل از این‌که بدنهایتان از آن خارج شود، پس برای آخرت خلق شدید و در دنیا زندانی شده‌اید).<sup>(۱۰۸)</sup>

(... وإن دنیا کم عندی لأهون من ورقة فی فم جرادة تقضمها ما لعلی ولنعم ینفنی ولذة لا تبقى...)، (این دنیای شما در نزد من از برگ نیم جویده‌ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های گذرا و ناپایدار چه کار!).<sup>(۱۰۹)</sup>

و (إن الدنیا کالشبکه تلتف علی من رغب فیها)، (همانا دنیا مانند توری است که به دور مشتاق آن می‌پیچد).<sup>(۱۱۰)</sup>

و امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: (... إن من أحب الدنیا ذهب خوف الآخرة من قلبه...)، (... کسی که دنیا را دوست بدارد، هراس آخرت از قلب او می‌رود).<sup>(۱۱۱)</sup>

و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (إن سارة قالت لإبراهیم یا إبراهیم قد کبرت فلو دعوت الله عز وجل أن یرزقک ولداً تقر أعیننا به فإن الله قد اتخذک خلیلاً وهو مجیب لدعوتک إن شاء. قال: فسأل إبراهیم ربه أن یرزقه غلام علیما. فأوحى الله عز وجل إليه أنى واهب لک غلاماً علیماً ثم أبلوک بالطاعة لی. قال ابو عبد الله (علیه السلام): فمکث إبراهیم بعد البشارة ثلاث سنین ثم جاءته البشارة من الله عز وجل وأن سارة قد قالت لإبراهیم إنک قد کبرت وقرب أجلك فلو دعوت الله عز وجل أن ینسئ فی أجلك وأن یمد لک فی العمر فتعیش معنا وتقر أعیننا. قال: فسأل إبراهیم ربه ذلك. قال فأوحى الله عز وجل إليه سل من زیادة العمر ما أحببت تعطه. قال: فأخبر إبراهیم سارة بذلك. فقالت له سل الله أن لا یمیتک حتى تكون أنت الذي تسأله الموت. قال: فسأل إبراهیم ربه ذلك فأوحى الله عز وجل إليه ذلك لک. قال: فأخبر إبراهیم سارة بما أوحى الله عز وجل إليه فی ذلك. فقالت سارة لإبراهیم: اشکر الله واعمل طعاماً وادع علیه الفقراء وأهل الحاجة. قال ففعل ذلك إبراهیم ودعا إليه الناس فكان فیمن أتى رجل کبیر ضعیف مکفوف معه قائد له فأجلسه علی مائدته قال فمد الأعمى یده فتناول لقمه وأقبل بها نحو فیه فجعلت تذهب

۱۰۸. الإرشاد ج ۱ ص ۲۹۶-۲۹۵.

۱۰۹. نهج البلاغة ج ۲ ح ۲۲۴ ص ۲۱۸-۲۱۶.

۱۱۰. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۲ ص ۹۰۴.

۱۱۱. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۱۲ ح ۱۳۴۵۲ ص ۳۸.

یمیناً و شمالاً من ضعفه ثم أهوى بيده إلى جبهته فتناول قائده يده فجاء بها إلى فمه ثم تناول المكفوف لقمه فضرب بها عينه قال وإبراهيم (عليه السلام) ينظر إلى المكفوف وإلى ما يصنع! قال، فتعجب إبراهيم من ذلك وسأل قائده عن ذلك فقال القائد هذا الذي ترس من الضعف، فقال إبراهيم في نفسه أليس إذا كبرت أصير مثل هذا؟! قم إن إبراهيم سأل الله عز وجل حيث رأى من الشيخ فقال اللهم توفي في الأجل الذي كتبت لي فلاحاجة لي في الزيادة في العمر بعد الذي رأيت)، (روزی ساره به ابراهيم گفت: تو خلیل پروردگاری و دعایت به هدف استجابت می‌رسد. اینک که به سن پیری پای نماده‌ای بهتر است از خداوند بخواهی تا به ما فرزندی را عنایت فرماید. خداوند نیز به ابراهيم بشارت داد که به زودی او را صاحب فرزندی خواهد کرد. ساره بعد از سه سال پسری را بدنیا آورد و از ابراهيم خواست تا از خداوند بخوهد که عمرش را آنقدر طولانی گرداند تا خود مرگ خویش را خواستار گردد. دعای ابراهيم مستجاب گشت و به شکرانه آن طعامی آماده شد و تعدادی از مستمندان بر سر سفره خلیل خدا گرد هم آمدند. در میان آن‌ها پیرمردی با چشمانی کم سو نیز دیده می‌شد او به هنگام تناول غذا دچار لرزش دست می‌شد و گاه لقمه طعام را به پیشانی و گاه در چشم خود فرو می‌برد. ابراهيم که وضعیت اسفبار و ضعف مفرط آن پیرمرد را مشاهده کرد در دعائی به خداوند چنین عرضه داشت: بار خدایا بعد از حادثه‌ای که شاهد آن بودم هرگز خواستار طولانی شدن زندگانیم نیستم و به قضا و قدر تو تن در می‌دهم).<sup>(۱۱۲)</sup>

### دنیا، راه رسیدن به آخرت را میسر می‌کند

از فرموده‌ی امیر المؤمنین (عليه السلام) در بصره، آن هنگام که بر علاء بن زیاد حارثی یکی از اصحاب خویش، وارد شدند و وسعت خانه‌ی او را دیدند، فرمودند: (مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْأَخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ وَبَلَىٰ إِنَّ شَيْئًا بَلَغَتْ بِهَا الْأَخِرَةَ تَقْرِي فِيهَا الضَّيْفَ وَتَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَتُطْلَعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْأَخِرَةَ. فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُو إِلَيْكَ أَحْيَ عَاصِمَ بْنِ زِيَادٍ. قَالَ: وَمَا لَهُ؟ قَالَ: لَبَسَ الْعَبَاءَةَ وَتَخَلَّى

عَنِ الدُّنْيَا. قَالَ: عَلَيَّ بِهِ. فَلَمَّا جَاءَ قَالَ: يَا عُدِيَّ<sup>(۱۱۳)</sup> نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَيْثُ أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ: هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونَةٍ مَلْبَسِكَ وَجُشُونَةٍ مَأْكَلِكَ. قَالَ: وَيَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ<sup>(۱۱۴)</sup> بِالْفَقِيرِ فَقره).<sup>(۱۱۵)</sup>

(از دنیا با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری اگر بخواهی می توانی با همین خانه به آخرت برسی در این خانه وسیع مهمانان را پذیرائی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری ببیوندی، و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می توانی پرداخت. علاء عرض کرد: از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می کنم. فرمود چه شد او را گفت عبائی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است: امام (علیه السلام) فرمود او را بیاورید، وقتی آمد به او فرمود: بر خورد با تفکر ترک دنیا ای دشمنک جان خویش شیطان سرگردانت کرده، آیا تو به زن و فرزندان رحمت نمی کنی تو می پنداری که خداوند نعمت های پاکیزه اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی تو در برابر خدا کوچک تر از آنی که این گونه با تو رفتار کند. عاصم عرض کرد: ای امیر مؤمنان، پس چرا تو با این لباس خشن، و آن غذای ناگوار به سر میبری امام فرمود: وای بر تو من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان بیاورد، و به طغیان نکشاند).

ابا عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (ليس الزهد في الدنيا بإضاعة المال ولا تحريم الحلال بل الزهد في الدنيا أن لا تكون بما في يدك أثق عن الله عز وجل)، (زهد ورزی نسبت به دنیا، حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک ثروت نیست؛ بلکه زهد ورزی نسبت به دنیا، عبارت است از: راضی بودن به قضای خدا).<sup>(۱۱۶)</sup>

۱۱۳. عُدِي كَلِمَةُ تَصْغِيرِ عَدُو «دشمن» است.

۱۱۴. فَهَجُ الْبِلَاغَةِ ج ۲ ح ۲۰۹ ص ۱۸۸-۱۸۷.

۱۱۵. یعنی بزرگی فقر بر او گران آید.

۱۱۶. الكافي ج ۲ ص ۷۱-۷۰ باب معنى الزهد.

مالک بن انس از ابی عبد الله (علیه السلام) از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) از رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل فرمودند: (جاء الفقراء إلى رسول الله (صلی الله علیه و آله) فقالوا: يا رسول الله أن الأغنياء لهم يعتقون وليس لنا ولهم ما يحجون وليس لنا ولهم ما يتصدقون وليس لنا ولهم يجاهدون وليس لنا. فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): من كبر الله عز وجل مائة مرة كان افضل من عتق مائة رقبة ومن سبح الله مائة مرة كان افضل من سباق مائة بدنه ومن حمد الله مائة مرة كان افضل من حملان مائة فرس في سبيل الله بسرجهما ولجمها وركبها ومن قال لا اله الا الله مائة مرة كان افضل الناس عملاً ذلك اليوم إلا من زاد. قال فبلغ ذلك الأغنياء فصنعوه قال فعاد الفقراء الى النبي (صلی الله علیه و آله) فقالوا: يا رسول الله قد بلغ الأغنياء ما قلت فصنعوه! فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء)، (نیازمندان نزد رسول خدا آمدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا، توانگران مالی دارند که به وسیله آن بردگان را آزاد می‌کنند و ما نداریم، و برای آنان وسیله حج فراهم است ولی برای ما نیست، و آنان اموالی دارند که صدقه می‌دهند ولی ما نداریم، و برای آنان وسیله جهاد فراهم است ولی برای ما نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس صد مرتبه «الله اکبر» بگوید پاداش آن از آزاد کردن صد برده بیشتر است، و هر کس صد مرتبه «سبحان الله» بگوید از بردن صد قربانی در حج بهتر است، و هر کس صد مرتبه «الحمد لله» بگوید فضیلت آن از فرستادن صد اسب زین‌دار و دهنه‌دار و رکاب‌دار در راه خدا بیشتر است، و هر کس صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید عمل او در آن روز از تمام مردم بهتر است، مگر کسی که بر آن بیفزاید. آن گاه امام (علیه السلام) فرمود: این سخن به گوش توانگران رسید و آنان نیز چنین کردند. پس نیازمندان بار دیگر نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا آنچه شما گفتی به گوش توانگران رسید و آنان هم این ذکرها را گفتند. پیامبر فرمود: این فضل و بخشش خداست که آن را به هر که بخواهد عطاء می‌کند و خداوند دارای بخشش عظیم است).<sup>(۱۱۷)</sup>

پس این امکان برای ثروتمندان وجود داشته باشد که بین دین و دنیا جمع بندند، اما احتمالش اندک است و خداوند فضل خویش را به هر کس که بخواهد، عطاء می‌کند.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: (بالدنيا تحرز الآخرة)، (به وسیله دنیا، می‌توانی آخرت را به دست

آوری). (۱۱۸)

ابی بصیر گوید: (ذکرنا عندي ابي جعفر (علیه السلام) من الأغنياء من الشيعة فكأنه كره ما سمع منا فيهم قال: يا أبا محمد إذا كان المؤمن غنياً رحيماً وصولاً له معروف إلى أصحابه أعطاه الله أجره ما ينفق في البر وأجره مرتين ضعفين لأن الله عز وجل يقول في كتابه: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ﴾، (۱۱۹) (در حضور امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی ثروتمندان شیعه صحبت کردیم. ایشان با لحنی که گویی از شنیدن سخنان ما در این زمینه کراهت داشتند، فرمودند: ای ابا محمد، اگر شخص مؤمنی ثروتمند باشد، صله‌ی رحم کند، به دیگران مهربانی ورزد و به دوستانش نیکی کند، خداوند به اندازه‌ی دو برابر آن چه در راه نیکی به دیگران انفاق کرده است به او پاداش عطاء می‌فرماید و خداوند می‌فرماید: (و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند پس برای آنان دو برابر آن چه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود)).

مردی از حال ثروتمندان و آن چه که میان آنان رخ می‌دهد، نزد ابی عبد الله (علیه السلام) می‌گوید، پس حضرت (علیه السلام) فرمودند: (أَسْكُتُ فَإِنَّ الْغَنِيَّ إِذَا كَانَ وَصُولًا لِرَحِمِهِ بَارًا بِأَخْوَانِهِ أَضْعَفَ اللَّهُ لَهُ الْأَجْرَ ضِعْفَيْنِ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ﴾)، (خاموش باش که به راستی شخص ثروتمند اگر صله‌ی رحم او زیاد باشد و به برادران خود نیکی بسیار کند خداوند پاداش او را دو چندان کند، زیرا خدای می‌فرماید: (و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند پس برای آنان دو برابر آن چه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود). (۱۲۰)

۱۱۸. میزان الحکمة محمد الریشهري ج ۲ ص ۸۹۰.

۱۱۹. علل الشرائع ج ۲ ب ۳۸۵ ص ۶۰۴.

۱۲۰. بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۲.

## اهل بهشت

رسول الله ﷺ فرمودند: (ثلاثة من يدخل الجنة (الشهيد في سبيل الله، المملوك لم يشغله رقه عن طاعة ربه و فقير ذو عيال متعفف)، (سه کس وارد بهشت می‌شوند: شهید در راه خدا، ثروتمند و صاحب مالی که اموالش او را از اطاعت و عبادت پروردگارش غافل نمی‌سازد و فقیر عیال باری که عفت و پاک‌دامنی پیشه می‌کند).<sup>(۱۲۱)</sup>

و در حدیث دیگر آمده است: (إن أول ثلة الجنة الفقراء المهاجرين...)، (اولین دسته از اهل بهشت فقرای مهاجر (به سوی خدا) هستند...)<sup>(۱۲۲)</sup>

و رسول الله ﷺ فرمودند: (إن أهل الجنة الشعث الغبر الذين استأذنوا على الأمراء لم يؤذن لهم وإذا خطبوا لم ينحکوا وإذا قالوا لم ينصت لهم حوائج أحدهم تتلجلج في صدورهم لو قسم نورهم يوم القيامة على الناس لو سعمهم)، (اهل بهشت هر ضعیف ناتوان غبار آلوده ژولیده موی ژنده پوش (دو تکه جامه کهنه در بر) که هیچ کس به آنها اعتناء نکند هستند، اگر خواستگاری کنند به آنها زن داده نمی‌شود، و اگر حرفی زدند به آنها گوش داده نمی‌شود، آرزوهای خود را در درون سینه نگه داشته‌اند و اگر روز قیامت نورشان بر مردم تقسیم شود کفایت‌شان کند).<sup>(۱۲۳)</sup>

و نیز فرمودند: (ألا أدلکم على أهل الجنة: کل ضعیف مستضعف لو أقسم على الله لأبره...)، (می‌خواهید شما را از پادشاهان اهل بهشت خبر دهم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. فرمودند: هر ضعیف ناتوان که اگر قسم خورد خدا قسم او را راست کند).<sup>(۱۲۴)</sup>

۱۲۱. میزان الحکمة ل محمد الرشید ج ۱ ص ۴۳۶.

۱۲۲. همان.

۱۲۳. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج ۲ ص ۱۸۳.

۱۲۴. مصدر قبلی.

## توکل به خداوند

روایت شده که رسول الله ﷺ از جبرئیل پرسید: (... وما التوکل علی الله عز وجل؟ فقال: العلم بان المخلوق لا یضر ولا ینفع ولا یعطي ولا یمنع وأستعمال الیأس من الناس)، (توکل چیست؟ جبرائیل (علیه السلام) فرمود: آن که آدمی یقین داشته باشد که از سوی مخلوق سود و زیانی به او نمی‌رسد، و از غیر خدا مأیوس باشد).<sup>(۱۲۵)</sup>

و نیز ﷺ فرمودند: (لا تتکل الی غیر الله فیکلک الله الیه، ولا تعمل لغیر الله فیجعل ثوابک علیه)، (به کسی غیر خدا توکل نکن؛ زیرا خدا تو را به او وا می‌گذارد و برای غیر خدا عملی انجام مده؛ زیرا جزاء و پاداش آن را به او وا می‌گذارد).<sup>(۱۲۶)</sup>

و امام علی (علیه السلام) فرمودند: (الإیمان له أربعة أركان: التوکل علی الله وتفویض الأمر الی الله والرضا بقضاء الله والتسليم لإمر الله عز وجل)، (ایمان چهار رکن دارد: توکل به خدا؛ سپردن کارها به خدا؛ رضا به قضای خدا؛ تسلیم در برابر امر خدا).<sup>(۱۲۷)</sup>

و نیز فرمودند: (... والتوکل علی الله نجاة من کل سوء وحرز من کل عدو...)، (... توکل به خداوند، مایه‌ی نجات از هر بدی و حفاظت از هر دشمن می‌باشد).<sup>(۱۲۸)</sup>

و نیز فرمودند: (فی التوکل حقیقة الإیقان)، (حقیقت یقین در توکل است).<sup>(۱۲۹)</sup>

و نیز فرمودند: (التوکل التبري من الحول والقوة، وانتظار ما يأتي به القدر)، (توکل بیزاری جستن است از حول و قوت و خود را خالص دانستن از آن، و انتظار کشیدن آنچه را بیاید به آن قضا و تقدیر خداوند).<sup>(۱۳۰)</sup>

فرمودند: (أقوی الناس إیماناً أكثرهم توکلاً علی الله سبحانه)، (قوی‌ترین مردم در ایمان، با

۱۲۵. معانی الأخبار ص ۲۶۱-۲۶۰.

۱۲۶. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۱۱ ح ۱۲۷۹۰ ص ۲۱۸-۲۱۷.

۱۲۷. الکافی ج ۲ ص ۴۷ باب خصال المؤمن.

۱۲۸. بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۷۹.

۱۲۹. میزان الحکمة لحمد الریشهری ج ۴ ص ۳۶۵۶.

۱۳۰. مختصر بصائر الدرجات للحسن بن سلیمان الحلبي ص ۱۳۹.



توکل‌ترین آن‌ها به خداوند سبحان است).<sup>(۱۳۱)</sup>

(... وایاک والإعجاب بنفسک والثقة بما يعجبک منها وحب الإطراء فإن ذلک من أوثق فرص الشيطان في نفسه ليمحق ما يكون من إحسان المحسنين)، (و زنهار که به بیماری خودبینی و خودپسندی دچار گردی، که این حالت از بهترین فرصت‌ها برای شیطان است که کارهای نیک نیکوکاران را محو و نابود و باطل سازد).<sup>(۱۳۲)</sup>

و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (لیس شيء إلا وله حد. قلت فما حد التوکل؟ قال: اليقین. قلت: فما حد اليقین؟ قال: أن لا تخاف مع الله شيئاً)، (هیچ چیزی نیست مگر این که حدی دارد. ابو بصیر گوید: به امام عرض کردم: حد توکل چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: یقین. پرسیدم: حد یقین چیست؟ فرمود: این که با [وجود] خدا، از چیزی ترسد).<sup>(۱۳۳)</sup>

و نیز فرمودند: (... وأدنى حد التوکل أن لا تسابق مقدورک بالهمة ولا تطالع مقسومک و لاتستشرف معدومک فینتقض بأحدهما عقد ایمانک وأنت لا تشعر...)، (پایین‌ترین حد توکل، آن است که در کسب آنچه که مقدر توست، شتاب نکنی و در طلب بیش از آن نباشی؛ چه بسا به واسطه یکی از این دو، ایمانت را در حالی که خود خبر نداری، از دست بدهی...).<sup>(۱۳۴)</sup>

و امام رضا (علیه السلام) فرمودند: (سأل عن حد التوکل فقال: أن لا تخاف أحداً إلا الله)، (از امام رضا (علیه السلام) از حقیقت توکل سؤال شد. فرمود: این که جز خدا از کسی ترسی).<sup>(۱۳۵)</sup>

## اولیای الهی

رسول الله ﷺ فرمودند: (ثَلَاثُ خِصَالٍ مِنْ صِفَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ: الثَّقَةُ بِاللَّهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَالْغِنَى

۱۳۱. میزان الحکمة لمحمد الریشهری ج ۴ ص ۳۶۵۹.

۱۳۲. فہج البلاغة ج ۳ ح ۵۳ ص ۱۰۸-۸۲.

۱۳۳. الکافی ج ۲ ص ۵۷ باب فضل اليقین.

۱۳۴. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۱۱ ح ۱۲۷۹۴ ص ۲۱۹-۲۱۸.

۱۳۵. مستدرک سفینة البحار للنمازی الشاہرودی ج ۱۰ ص ۳۶۶ باب حد التواضع.

بِه عَنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْإِفْتِقَارُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ)، (سه خصلت از صفات اولیای خداست: اعتماد کردن به خدا در هر کاری و بی نیاز شدن به واسطه او از هر چیزی و نیازمندی به او در هر چیزی).<sup>(۱۳۶)</sup>

و امام علی (علیه السلام) فرمودند: (... وَأَخْفَىٰ وَلِيهِ فِي عِبَادَةِ فَلَا تَسْتَصْغِرُونَ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ فَرَبَّمَا يَكُونُ وَلِيَهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ)، (و ولی خودش را در بین بندگانش پنهان نموده است. پس، بنده‌ای از بندگانش را حقیر و کوچک میندازید، چه بسا همان کس ولی او باشد).<sup>(۱۳۷)</sup>

و نیز فرمودند: (إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَىٰ بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَىٰ ظَاهِرِهَا وَاسْتَعْلَوْا بِأَجْلِهَا إِذَا اسْتَعْلَىٰ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمِيتَهُمْ وَتَرَكُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَسْتُرُهُمْ)، (دوستان خدا آناند که؛ به درون و باطن دنیا نگریستند آن‌گاه که مردم به ظاهر آن چشم دوختند. سرگرم آینده دنیا شدند آن‌گاه که مردم به امور زودگذر دنیا پرداختند. پس هواهای نفسانی که آنان را از پای در می‌آورد، کشتند. آن‌چه که آنان را به زودی ترک می‌کرد، ترک گفتند).<sup>(۱۳۸)</sup>

## اسراف

رسول الله ﷺ فرمودند: (أَمَّا عَلَامَةُ الْمُسْرِفِ فَأَرْبَعَةٌ الْفَخْرُ بِالْبَاطِلِ وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ عِنْدَهُ)، (برای اسراف‌کننده چهار علامت است: فخر به باطل، خریدن، پوشیدن و خوردن چیزی که در شأنش نیست).<sup>(۱۳۹)</sup>

و نیز فرمودند: (إِنْ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّمَا اشْتَهَيْتَ)، (اسراف آن است که هرچه را دوست داری، بخوری).<sup>(۱۴۰)</sup>

۱۳۶. مستدرک سفینه البحار للنمازي الشاهرودي ج ۸ ص ۲۹.

۱۳۷. الخصال للشيخ الصدوق ص ۲۱۰-۲۰۹.

۱۳۸. نهج البلاغة ج ۴ ح ۴۳۲ ص ۱۰۱.

۱۳۹. بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۲۲.

۱۴۰. میزان الحکمة لحمد الريحهري ج ۲ ص ۱۲۹۶.

(لا خَيْرَ فِي السَّرْفِ وَلَا سَرَفَ فِي الْخَيْرِ)، (خیری در اسراف نیست؛ چنان که در (کار) خیر اسراف نیست).<sup>(۱۴۱)</sup>

و امام علی علیه السلام فرمودند: (ویح للمسرف ما أبعدہ عن صلاح نفسه واستدراک أمره)، (چه دور است اسراف کننده از تدارک نمودن زیان کار خود و از آنچه صلاح نفس او در آن است).<sup>(۱۴۲)</sup>

(أقبح البذل، السرف)، (زشت‌ترین بذل و بخشش، اسراف است).<sup>(۱۴۳)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: (إن القصد أمر یحبہ الله عز وجل وأن المسرف ییغضه الله حتی طرحک النواة فانها تصلح لشيء وحتى صبک شرابک)، (میانه روی امری است که خدای بزرگ آن را دوست دارد ولی از اسراف بدش می‌آید. حتی دور انداختن هسته خرما را؛ زیرا آن‌هم به کاری می‌آید همچنین باقیمانده آب آشامیدنی‌ات را).<sup>(۱۴۴)</sup>

و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: (من کان له مال فإیاه والفساد فإن إعطائک المال فی غیر وجهه تبذیر وإسراف وهو یرفع ذکر صاحبه فی الناس ویضعه عند الله...)، (کسی از شما که دارای مال و ثروت است پرهیزد از فساد، چه آن‌که اعطای مال در غیر مورد تبذیر است و اسراف، و این عمل ناروا یاد صاحبش را بین مردم زیاد می‌کند و نامش را بالا می‌برد، ولی نزد باری تعالی او را پست می‌کند و موجب انخطاطش می‌گردد).<sup>(۱۴۵)</sup>

و امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: (إن للسخاء مقداراً فإن زاد علیه فهو سرف...)، (همانا برای بذل و بخشش اندازه‌ای است که چون از آن بگذرد اسراف است).<sup>(۱۴۶)</sup>

۱۴۱. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۱۵ ح ۱۸۲۹۸ ص ۲۶۴.

۱۴۲. مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ج ۱۵ ح ۵:۶:۱۸۲۰۳، ص ۲۶۶.

۱۴۳. میزان الحکمة ل محمد الریشهری ج ۲ ص ۱۲۹۴.

۱۴۴. الکافی ج ۴ ص ۵۲ باب فضل القصد.

۱۴۵. الکافی ج ۴ ص ۳۱ باب وضع المعروف موضعه.

۱۴۶. بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۴۰۷.

و از امام کاظم (علیه السلام) پرسیده شد: مردی دارای ده پیراهن است، آیا آن اسراف می‌باشد؟ فرمودند: (لا ولكن أبقى لثيابه ولكن السرف أن تلبس ثوب صونك<sup>(۱۴۷)</sup> في المكان القدر...)، (اسراف آن است که لباس فاخر خود را در مکان آلوده و کثیف بپوشی).<sup>(۱۴۸)</sup>

## دیر فرود آمدن رزق و روزی

رسول الله ﷺ فرمودند: (من أنعم عز وجل عليه نعمة فليحمد الله ومن أستبطأ الرزق فليستغفر الله...)، (خداوند به هر کس نعمتی داد، باید حمد الهی نماید و هر کس رزق و روزی بر او سخت شود، استغفار نماید).<sup>(۱۴۹)</sup>

و در حدیث دیگر آمده است: (مَنْ إِسْتَبْطَأَ الرَّزْقَ فَلْيَكْثُرْ مِنَ التَّكْبِيرِ وَمَنْ كَثُرَ هَمُّهُ وَعَمَّهُ فَلْيَكْثُرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ)، (کسی که در روزی خود تأخیر و تنگی می‌بیند زیاد تکبیر بگوید و کسی که غم و اندوهش زیاد شده بسیار استغفار کند).<sup>(۱۵۰)</sup>

و امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: (ينبغي لمن عقل عن الله أن لا يستبطئه في رزقه ولا يتهمه في قضائه)، (برای کسی که خدا را شناخت، سزاوار است که خدا را در روزی دادن کند نداند و در قضایش او را متهم نسازد).<sup>(۱۵۱)</sup>

و در حدیث قدسی آمده است: (لِيَحْذَرُ عَبْدِي الَّذِي يَسْتَبْطِئُ رِزْقِي أَنْ أَغْضِبَ فَأَفْتَحَ عَلَيْهِ بَابًا مِنَ الدُّنْيَا)، (آن بنده‌ای که گمان می‌کند من روزی خود را دیر به او می‌رسانم، باید خود را از غضب من ننگه دارد (و چنین گمانی را بر طرف نماید) که مبادا (در اثر همین خیالش) بابی

۱۴۷. ثوب الصون: لباس پر تجمل، یعنی اسراف در آن است که تو لباس پاکیزه و مجلسی را در مکان کار و فعالیت به تن کنی در حالی که آن تنها مخصوص مهمانی است.

۱۴۸. بحار الأنوار ج ۷۶ ص ۳۱۷.

۱۴۹. بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۴۵.

۱۵۰. میزان الحکمة لحمده الریشهری ج ۲ ص ۱۰۷۲.

۱۵۱. الکافی ج ۲ ص ۶۱ باب الرضا بالقضاء.

از دنیا را بر او بگشایم).<sup>(۱۵۲)</sup>

و رسول الله ﷺ فرمودند: (الرزق أسرع الى من يطعم الطعام من السكين في السنام)،  
(سرعت رسیدن رزق به کسی که به دیگران غذا می‌دهد، از سرعت حرکت کارد در کوهان  
شتر بیشتر است).<sup>(۱۵۳)</sup>

و امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (شاركوا الذين أقبل عليهم الرزق فإنه أخلق للغني وأجدر  
بإقبال الحظ)، (با آن کس که روزی به او روی آورده شراکت کنید، که او توانگری را  
سزاوارتر، و روی آمدن روزگار خوش را شایسته‌تر است)،<sup>(۱۵۴)</sup>

(مواساة الأخ في الله عز وجل تزيد في الرزق)، (مواسات با برادر دینی در راه خدای بزرگ،  
روزی را فراوان می‌کند)،<sup>(۱۵۵)</sup>

(العسر يفسد الأخلاق، التسهل يدر الأرزاق)، (سخت‌گیری، اخلاق را تباہ می‌کند و  
آسان‌گیری رزق را سرازیر می‌کند)،<sup>(۱۵۶)</sup>

(... الرزق رزقان، رزق تطلبه و رزق يطلبك فإن أنت لم تأته أتاك...)<sup>(۱۵۷)</sup> (... روزی بر  
دو نوع است یکی آن‌که تو در پی آنی و دیگری آن‌که آن به دنبال تو باشد. که اگر تو به  
سوی آن نروی آن به سوی تو می‌آید).

(استنزلوا الرزق بالصدقة)، (رزق و روزی را با صدقه دادن، فرود آورید).<sup>(۱۵۸)</sup>

و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (فإن الرزق لا يسوقه حرص حريص، ولا يرده كراهية كاره)،  
(حرص حريص رزق را فراهم نمی‌کند و بی‌میلی کسی آن را نمی‌راند).<sup>(۱۵۹)</sup>

۱۵۲. بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۱۹۵.

۱۵۳. الكافي ج ۴ ص ۵۱ باب فضل أطعم الطعام.

۱۵۴. نهج البلاغة ج ۴ ح ۲۳۰ ص ۵۱.

۱۵۵. بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۳۹۵.

۱۵۶. ميزان الحكمة ل محمد الريشهري ج ۲ ص ۱۰۷۳.

۱۵۷. نهج البلاغة ج ۳ ص ۳۷-۵۵.

۱۵۸. نهج البلاغة ج ۴ ح ۱۳۷ ص ۳۴.

۱۵۹. الكافي ج ۲ ص ۵۷ باب فضل اليقين.

(إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَسِعَ أَرْزَاقَ الْحَمَقَى لِيَعْتَبِرَ الْعُقَلَاءُ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يَنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حَيْلَةٍ)،<sup>(۱۶۰)</sup> (خداوند روزی احمقها را وسعت بخشید تا عقلا تا عاقلان عبرت گیرند و بدانند که دست یافتن به دنیا، تنها با کار و تدبیر میسر نیست).

(... ومن حسن بره أهل بيته زيد في رزقه)، (هر کس به شایستگی در حق خانواده اش نیکی کند، روزیش زیاد می شود).<sup>(۱۶۱)</sup>

(قال إبليس: خمسة ليس لي فيها حيلة وسائر الناس في قبضتي: من اعتصم بالله عن نية صادقة واتكل عليه في جميع أموره ومن كثر تسيحه في ليله ونهاره ومن رضي لأخيه المؤمن ما يرضاه لنفسه ومن لم يجزع على المصيبة حتى تصيبه ومن رضي بما قسم الله له ولم يهمل لرزقه)، (ابليس گفت: پنج نفر هستند که هیچ چاره‌ای برای آنها ندارم اما دیگر مردمان در مشیت من هستند: هر که با نیت درست به خدا پناه برد و در همه کارهایش به او تکیه کند، کسی که شب و روز بسیار تسیح خدا گوید، کسی که برای برادر مؤمنش آن پسندد که برای خود می پسندد، کسی که هر گاه مصیبتی به او می رسد، بی تابی نمی کند و هر کسی که به آنچه خداوند قسمتش کرده، خرسند است و غم روزیش را نمی خورد).<sup>(۱۶۲)</sup>

و رسول الله ﷺ فرمودند: (... ومن خرج من ذل المعصية إلى عز الطاعة آنسه الله عز وجل بغير أنيس وأعانه بغير مال)، (هر کس از خواری معصیت و نافرمانی خدا به عزت اطاعت و فرمانبری خدا درآید، خدا مأنوس او می شود بدون آن که انیسی داشته باشد، و او را یاری می دهد بدون مال و ابزار مادیت).<sup>(۱۶۳)</sup>

## والحمد لله رب العالمين

۱۶۰. بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۳۵.

۱۶۱. بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۴۰۸.

۱۶۲. بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۳۷۸.

۱۶۳. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۳۵۹.



## فهرست کتاب:

۶	.....	مقدمه
۷	.....	فقر .
۷	.....	فقر مدح شده
۱۱	.....	فقر باعث فزونی ایمان می شود
۱۲	.....	قناعت و بی نیازی مدح شده
۱۶	.....	در طول تاریخ فقیران چه کسانی بودند ؟
۱۶	.....	اول: قسمتی از سیره ی انبیاء
۱۹	.....	دوم: سیرهای از زندگی آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۲۲	.....	آن چه که از امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> روایت شده
۲۵	.....	فقر در آخر الزمان
۲۹	.....	انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small> و فقر
۳۴	.....	قناعت پیشگی
۳۸	.....	فنای دنیا و سبکی آن
۴۳	.....	دنیا، راه رسیدن به آخرت را میسر می کند
۴۷	.....	اهل بهشت
۴۸	.....	توکل به خداوند
۴۹	.....	اولیای الهی
۵۰	.....	اسراف
۵۲	.....	دیر فرود آمدن رزق و روزی